

آزادی آکادمیک در نظام بین‌المللی حقوق بشر^۱

رضا اسلامی*

پیمان مرادی**

چکیده

آزادی آکادمیک به آزادی موسسات دانشگاهی و پژوهشی و اعضای جامعه علمی (استادان، پژوهشگران و دانشجویان) در تحقیق، پژوهش و آموزش، انتشار و انتقال نتایج آن با استفاده از ابزارهای مختلف به دور از هرگونه فشار از طرف گروه‌های قدرت سیاسی، مذهبی و مسلکی اطلاق می‌شود. تحقق آزادی آکادمیک در بعد فردی و نهادی نیازمند حمایت دولت‌ها بدون مداخله و با رعایت استقلال اعضای جامعه علمی و استقلال نهادی است.

اعلامیه‌های مختلف جهانی، منطقه‌ای و ملی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه‌های لیما، کامپالا، دارالسلام و اصول آزادی آکادمیک و تصدی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به حمایت از این آزادی پرداخته‌اند. اما یک سند الزام‌آور جهانی و تضمینات حقوقی لازم در نظام بین‌المللی حقوق بشر و همچنین در نظام‌های منطقه‌ای برای حمایت از این آزادی وجود ندارد. اما در قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی داخلی بعضی کشورها صراحتاً به آزادی آکادمیک اشاره و از آن حمایت شده است، هرچند که در بسیاری از کشورها چنین مقرراتی وجود ندارد.

واقعیت این است که برای برخورداری از آزادی آکادمیک با عناصر و واقعیت‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و صنفی در تعامل، چالش و حتی تقابل قرار می‌گیریم اما مفاهیمی از قبیل تولید آزادانه علم توسط اعضاء جامعه علمی، آموزش، مسئولیت اجتماعی جامعه علمی،

^۱ تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۸/۱۵ تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۵

* استادیار حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول مقاله)

سلامت، به‌زامداری و پیش‌تازی اصحاب علم در پدیده جهانی شدن اهمیت و ضرورت پرداختن به آزادی آکادمیک را روشن می‌سازد که در اسناد مختلف حقوق بشری در ارتباط با آموزش عالی، آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه مورد تاکید قرار گرفته است.

در این مقاله تحت عنوان «آزادی آکادمیک در نظام بین‌المللی حقوق بشر» به بررسی افراد و مراکز علمی مورد حمایت آزادی آکادمیک، حدود این آزادی و سازوکارهای حمایتی از آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام‌های منطقه‌ای و به طور کلی در نظام‌های داخلی پرداخته شد و بطور خلاصه این نتیجه حاصل شد که استادان، دانشجویان و پژوهشگران، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی مورد حمایت آزادی آکادمیک هستند اما مدارس از دایره حمایت این آزادی خارج است، این آزادی مطلق نیست و به وسیله حدود و ثغوری محدود می‌شود و سازوکارهای حمایتی موجود در نظام بین‌المللی حقوق بشر و همچنین نظام‌های منطقه‌ای و قوانین داخلی کشورها برای حمایت از این آزادی بسیار ضعیف است و یک سند الزام‌آور جهانی و تضمینات حقوقی لازم در نظام بین‌المللی حقوق بشر و همچنین در نظام‌های منطقه‌ای و قوانینی مترقی در نظام‌های حقوقی داخلی کشورها برای حمایت، رشد و شکوفایی این آزادی مورد نیاز است.

کلمات کلیدی:

آزادی آکادمیک، استقلال دانشگاه، حقوق بشر، آزادی علمی

مقدمه

مطالعه سیر پیشرفت علم و روند تکامل دانشگاه در قرون گذشته و نقش تعیین کننده‌ای که بر زندگی بشر (در فرآیند آموزش، تحقیق، آزمایش، پژوهش، تولید) و ارتقاء جایگاه و کرامت وی دارند، اهمیت پرداختن به آزادی دانشگاه، مراکز علمی و پژوهشی، پژوهشگر، استاد و دانشجو در مطالعه، پژوهش، تحقیق، آزمایش و انتشار نتایج آنها را روشن می‌سازد. ولی بدلیل اینکه «آزادی دانشگاهی» یا «آزادی علمی» گویای آنچه که مد نظر این مقاله می‌باشد، نبود بنابراین از اصطلاح «آزادی آکادمیک»^۲ که نسبت به اصطلاحات پیش گفته شامل‌تر است، استفاده شد.^۳

موسسات آموزش عالی از سالیان دور در نقاط مختلف جهان فعال بوده و سرچشمه علم، دانایی، تحقیق و جستجو به شمار می‌رفته‌اند. در آسیا از زمان باستان تاکنون موسسات آموزش عالی فعالیت می‌کرده‌اند.^۴ در آفریقا آموزش عالی، دارای ریشه‌های بومی، اسلامی و بعد غربی است. تا قرن یازدهم میلادی موسسات آموزش عالی کاملاً سنتی فعالیت می‌کردند، تا اینکه دانشگاه پاریس در سال ۱۱۵۰ میلادی با قرض گرفتن آداب و سنن از مناطق دیگر و الگو برداری شبه مدرن از آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه تاسیس شد و به دلیل برخورداری از ایده اولیه استقلال و خودگردانی به دانشگاه‌های مدرن بسیار شباهت داشت. در ادامه رنسانس شرایط را برای روش‌های جدید و پرس و جو در مفهوم مدرن از دانشگاه و آزادی آکادمیک باز کرد، اما هنوز موانع اساسی باقی مانده بود.^۵ در اوایل قرن ۱۹ پدیده‌ای ارزشمند در دانشگاه هومبولت برلین^۶

^۲Academic Freedom

^۳در فرهنگ فارسی معین آمده است: «آکادمی نام باغی بوده در آتن که افلاطون در آن تدریس می‌کرد و کم‌کم با گذشت زمان معنای انجمن علمی یا فرهنگستان را به خود گرفت» و آکادمیک به معنای آنچه که مربوط به آکادمی است معنا شده که در ادامه این مقاله تعاریفی که از اصطلاح «آزادی آکادمیک» در اسناد حقوق بشری آمده است بیان خواهد شد.

^۴ The Academy of Natural Sciences, Asia Center,
<http://asia.ansp.org/nanjing/index.php>

^۵ Cubberley, Ellwood. P, The History of Education (February 2005), p.15.

^۶ Humboldt University

در آلمان شکوفا شد. این پدیده شامل ایده جدید آزادی آموزش و یادگیری و حذف تمام محدودیت‌های اعمال شده بر روی دانشگاهیان در کلاس درس و آزمایشگاه‌ها بود. با این حال این آزادی در خارج از کلاس درس و آزمایشگاه وجود نداشت و دانشگاهیان در سراسر اروپا، آزار و اذیت‌های زیادی را در طول قرن بیستم، با توجه به تصفیه‌های پس از انقلاب بلشویکی در روسیه و آلمان نازی رایش سوم و دیگر دیکتاتورهای فاشیستی در ایتالیا، اسپانیا، یونان و غیره تحمل کردند.^۷ در اوایل قرن بیستم انجمن آمریکایی استادان دانشگاه^۸ مفهومی مدرن از آزادی آکادمیک ارائه کرد، که به منظور حمایت از آزادی آکادمیک، دامنه آن را فراتر از صرف کلاس درس و محتوای پژوهش (شامل بیان دانشگاهیان در خارج از دانشگاه و حتی خارج از تخصص علمی استاد) گسترش می‌داد.^۹

آزادی آکادمیک در عرصه جهانی و در حدود نیم قرن اخیر در ایران رشدی موجهی داشته و فراز و نشیب‌های بسیاری را از سر گذرانده است و در چالش، تقابل و تعامل با عناصر و واقعیت‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی قرار دارد.^{۱۰} این مقاله در سه مبحث به بررسی

⁷ Ralph F. Fuchs, «Academic Freedom: Its Basic Philosophy, Function and History», in Law and Contemporary Problems, Vol. 28, No. 3, Academic Freedom (summer, 1963), p.435.

⁸ AAUP

⁹ Altbach, Philip, G, «Academic Freedom in a Global Context: 21th Century Challenges», The NEA Almanac of Higher Education (2007), p.207.

^{۱۰} سوالی که ممکن است مطرح شود اینست که با توجه به موازین حقوق بشر، آزادی آکادمیک چه موسسات و نهادها و اشخاصی را و تا چه حدی مورد حمایت قرار می‌دهد؟ آیا آزادی آکادمیک صرفاً فضاهای دانشگاهی را در بر می‌گیرد یا به محیط مدارس نیز قابل تسری است؟ آیا به آزادی آکادمیک توجه کافی شده و در عرصه جهانی، منطقه‌ای و ملی، با توجه به حساسیت‌ها و ضرورت‌های وجودی‌اش به جایگاه مناسب، توجه جهانی و تضمینات لازم دست یافته است؟ سازوکارهای حمایت از آزادی آکادمیک در نظام بین‌المللی حقوق بشر چیست؟ و آیا در عمل، آزادی آکادمیک، توسط قواعد موجود داخلی و بین‌المللی مورد حمایت قرار می‌گیرد یا سازوکار دیگری جهت حمایت مورد نیاز است؟ تمامی این سوالات و افزون بر آن، کمتر مطرح شدن آزادی آکادمیک در جامعه حقوقی به خصوص ایران و شناخت ضعیف مولفه‌های تشکیل دهنده آن حتی در میان قشر دانشگاهی و عدم

آزادی آکادمیک موسسات و مراکز علمی، آزادی آکادمیک دانشگاهیان و حدود آزادی آکادمیک و سازوکارهای حمایت از آن می‌پردازد.

در ادامه به تعریف آزادی آکادمیک در اسناد مرتبط می‌پردازیم. اعلامیه آزادی آکادمیک در تعریف «آزادی آکادمیک»، بیان می‌دارد: «آزادی آکادمیک عبارت است از آزادی انجام پژوهش، تدریس، سخن گفتن و انتشار با رعایت موازین و قواعد حاکم بر تحقیقات علمی به گونه‌ای که نتیجه علمی در هر صورت به مجازات یا بازخواست دولتی منجر نشود»^{۱۱}. اعلامیه لیما در خصوص آزادی آکادمیک و استقلال موسسات آموزش عالی^{۱۲} نیز بیان می‌دارد: «آزادی آکادمیک عبارت است از آزادی فردی یا جمعی اعضای اجتماع علمی نسبت به تعقیب، توسعه و انتقال دانش از مجرای انجام پژوهش، تحصیل، بحث، مستندسازی، تولید، آفرینش، تدریس، سخنرانی و نوشتن». در تفسیر عمومی شماره ۱۳ کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی^{۱۳} آمده است که «آزادی آکادمیک به این معناست که اعضای جامعه علمی به صورت فردی یا گروهی در دنبال کردن دانش، افکار و گسترش و انتقال آنها آزاد باشند. این آزادی باید در حوزه‌های مختلف مانند تحقیقات، آموزش، مطالعه، گفتگو، تولید محصول، خلاقیت و نوآوری وجود داشته باشد»^{۱۴}.

بنابراین آزادی آکادمیک یعنی آزادی جامعه علمی از جمله اعضاء هیئت علمی، پژوهشگران و محققان در تدریس، سخنرانی، انجمن، تحقیق، پژوهش، نقد، ابداع، اختراع، ارائه، انتشار، انتقال و چاپ آنها در چارچوب

توجه به ضرورت وجودی و تاثیر آن بر زندگی مردم عادی، نویسندگان این مقاله را برآن داشت تا حد توان به معرفی این آزادی مغفول مانده بپردازند.

^{۱۱} Statement on Academic Freedom (2005).

^{۱۲} Declaration on Academic Freedom and Autonomy of Institutions of Higher Education. (1998).

^{۱۳} کمیته ناظر بر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

^{۱۴} General Comment No. 13, the Right to Education, (Article 13), International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), (1999).

موازین برآمده از جامعه علمی هرچند برخلاف نظر مسئولان دانشکده، دانشگاه، دولت، کانون‌ها و جریان‌های قدرت در جامعه با شد. افزون بر این، آزادی دانشجویان در انتخاب محل و رشته تحصیلی مورد علاقه خود در طول مدت تحصیل، انتخاب واحدها، انتخاب مدرس، مشارکت نقادانه در مباحث در سی، ارزشیابی مدرس، انتخاب موضوع مطالعات، مقالات و پایان نامه‌ها، انتخاب استاد راهنما، مشارکت و فعالیت دانشجویی و سایر فعالیت‌های تحصیلی، علمی و صنفی وفق استانداردهای مورد وفاق جامعه علمی، نیز ذیل آزادی آکادمیک می‌گنجد.^{۱۵} نکته مهم جهان شمولی تعریف آزادی آکادمیک است و به رغم تفاوت آشکاری که در عمل از آزادی آکادمیک در دانشگاه‌های مختلف وجود دارد، تعریف اصلی آن همان است که پیش از این آمد.^{۱۶}

اهمیت و ضرورت آزادی آکادمیک در ارتباط با مفاهیمی از قبیل تولید آزادانه علم توسط اعضاء جامعه علمی، آموزش، مسئولیت اجتماعی جامعه علمی، سلامت و پیش‌تازی اصحاب علم در پدیده جهانی شدن روشن می‌شود که در اسناد مختلف حقوق بشری در ارتباط با آموزش عالی، آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه مورد تاکید قرار گرفته است.^{۱۷}

^{۱۵} فراستخواه، مقصود، «آزادی علمی»، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۲، ص

۱۰۲

^{۱۶} پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا با وجود آزادی‌های مختلف شناخته شده در اسناد حقوق بشری صحبت از آزادی آکادمیک جایگاه و ضرورتی دارد و آیا این آزادی حوزه‌ای خاص را پوشش می‌دهد یا با آزادی‌های دیگر هم پوشان است؟ با بررسی مفاهیم و آزادی‌هایی که ظن آن می‌رود با آزادی آکادمیک هم پوشانی داشته باشند (از جمله آزادی بیان، آزادی تحقیقات علمی، آزادی انجمن و آزادی اطلاعات) می‌توان به این نتیجه رسید که آزادی‌های مذکور لازمه وجود آزادی آکادمیک هستند و گاهاً به رغم همپوشانی جزئی هیچ کدام ما را از وجود مفهومی به نام آزادی آکادمیک بی‌نیاز نمی‌کنند. زیرا آزادی آکادمیک در مفهومی ظریف و تخصصی در جامعه علمی شکل می‌گیرد که آزادی‌های یاد شده آنها را پوشش نمی‌دهد.

^{۱۷} از جمله در اعلامیه آزادی آکادمیک (۲۰۰۵)، اعلامیه همایش جهانی روسای دانشگاهها (۲۰۰۶)، اعلامیه کنفرانس جهانی آموزش عالی (۲۰۰۹) مورد تاکید قرار گرفته است.

۱. آزادی آکادمیک مؤسسات و مراکز علمی

آزادی آکادمیک متضمن آزادی دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی در طراحی دوره‌های آموزشی و پژوهشی، تعریف واحدهای درسی، برگزاری نشست‌ها و همایش‌های علمی، استخدام هیئت علمی، تأمین درآمد و بطور کلی آزادی در هر امری است که به تعالی اهداف آموزشی و پژوهشی آن منجر می‌شود.

۱.۱. دانشگاه‌ها

تعاریفی که از آزادی آکادمیک در دانشگاه‌ها ارائه شده است عبارتند از ۱. آزادی کامل در سیاستگذاری آموزشی، اداری و مالی ۲. آزادی در توسعه سیاست‌ها و شرایط انتخاب اعضای هیئت علمی و دستیاران بدون دخالت و یا پیگیری خارج از مؤسسه ۳. وضع مستقل و منصفانه قوانین پذیرش دانشجو، انتخاب و ترفیع مدیران، کارکنان و اساتید ۴. آزادی در توسعه دانش و مبادله علمی با نهادهای دیگر، بدون کنترل و اعتراض نهادهای دیگر، دولت و قدرت عمومی ۵. «ایجاد فضای آزاد در محیط آموزشی برای ارتباط و گفتگو بدور از هرگونه فشار و پیش‌داوری بگونه‌ای که افراد بتوانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند. در این راستا کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها می‌توانند نهادینه‌سازی آزادی بیان و تضارب آراء با رعایت اخلاق و منطق گفت‌وگو، ایجاد فرصت قانونی و عادلانه برای عرضه آزادانه آراء، دیدگاه‌ها و سؤالات پیرامون موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و آگاهی از نظریات دیگران، تقویت روحیه حقیقت‌جویی، آزادگی و قانون‌گرایی، ساماندهی مباحث و گفت‌وگو با صبغه علمی و بلاخره ایجاد فضای مناسب برای طرح و بیان اندیشه‌های نو، تفکر خلاق و فرهنگ نوآوری را فراهم آورد»^{۱۸}

آزادی آکادمیک بر ضرورت توسعه دانش، و تقویت دانشگاه‌ها و حق

^{۱۸} آیین‌نامه کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها، قابل دسترس در:

آزادی ارتباطات و انتقال دانش جدید تأکید دارد، حتی اگر آن دانش با اعتقادات غالب در جامعه متفاوت باشد. البته این آزادی مطلق نیست، چرا که اجازه افترا یا سوء استفاده به دیگران را نمی‌دهد و دارای محدودیت‌هایی از جمله احترام به سایر ادیان و اهداف موسسه آموزشی و یا پژوهش و اهداف جامعه است که باید در هنگام استخدام استادان و انتخاب دانشجویان مشخص شود.

آزادی آکادمیک بر ارزیابی استادان توسط دانشگاه در حد توانایی‌های خود در عملکرد آکادمیک و انجام وظایف خود تأکید دارد و هیچ توجهی به اعتقادات شخصی آن‌ها ندارد و تمامیت و اعتماد متقابل بین استادان، دانشگاه و جامعه را برای توسعه دانش بر اساس استانداردها و قوانین تضمین می‌کند. قوی‌ترین تضمین برای انجام تحقیقات و انتشار نتایج علمی بصورت کاملاً آزاد و رعایت استقلال، استقلال مالی و سازمانی است.

در خصوص استقلال دانشگاه‌ها، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مختلفی وجود دارد که به کم و کیف این استقلال پرداخته‌اند. استقلال به عنوان یکی از شاخصه‌های زیر بنایی دانشگاه در بسیاری از اعلامیه‌ها و گزارش‌های اجلاس‌های بین‌المللی آموزش عالی، به ویژه در قرن گذشته مورد تأکید قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به اعلامیه‌های زیر اشاره کرد: اعلامیه لیما^{۱۹}، دارالسلام^{۲۰}، کامپالا^{۲۱}، کنفرانس بین‌المللی آموزش عالی در قرن ۲۱

^{۱۹} این اعلامیه شامل مفاد مختلف در اهمیت استقلال دانشگاه و موسسات آموزش عالی از دولت و مقامات دیگر در پرداختن به مسائلی مانند امور مالی، سازمان داخلی، آموزش و پرورش و سیاست‌های پژوهشی است (ماده ۱)، (۱۹۸۸).

^{۲۰} اعلامیه دارالسلام، حقوق و آزادی‌هایی که شامل آزادی آکادمیک، تعهدات دولت در امور اجرایی، استقلال و خودمختاری موسسات آموزش عالی و مسئولیت‌های اجتماعی نهادها و دانشگاهیان می‌شود را پوشش می‌دهد (پاراگراف ۵)، (۱۹۹۰).

^{۲۱} در این اعلامیه، بر استقلال دانشگاه، تعهدات دولت به جامعه فکری، و مسئولیت اجتماعی دانشگاهیان تأکید شده است. به طور کلی اعلامیه کامپالا در خصوص آزادی آکادمیک در فضای جستجو برای خودمختاری فکری روشنفکران آفریقایی پس از استقلال بوده که در پاسخ به سیاست‌های رژیم‌های سرکوبگر که هیچ اهمیتی به درد و رنج توده‌های مردم آفریقایی نمی‌دادند، بوجود آمد. اعلامیه کامپالا مجموعه‌ای از حقوق و تضامین را در چهار فصل در بر دارد، که فصل اول

۲۲ که به همت یونسکو برگزار شد و اعلامیه همایش جهانی روسای دانشگاهها در خصوص آزادی آکادمیک.^{۲۳}
با مطالعه اسناد فوق می‌توان به این نتیجه رسید که آزادی آکادمیک در دانشگاهها به دنبال اهدافی مشخص است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- حق جستجوی دانش و تتبع تا هر کجا که حقیقت ایجاب نماید.
- تساهل در برابر عقیده مخالف و فارغ بودن از مداخله‌های سیاسی.
- التزام اجتماعی به ترویج اصول آزادی و عدالت، کرامت و همبستگی انسانی و توسعه کمکهای مادی و معنوی در سطح بین‌الملل، از طریق آموزش و پژوهش.

در کنفرانس جهانی آموزش عالی^{۲۴} با عنوان «مسئولیت‌های اجتماعی، استقلال و آزادی آکادمیک» بیان شد که آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه از اصول اولیه جستجوی نامحدود و انتشار دانش هستند. استقلال جامعه دانشگاهی به منظور اجرای مسئولیت دانشگاه در برابر جامعه است.

از حقوق و آزادی‌های اساسی صحبت می‌کند که شامل: (الف) حقوق و آزادیهای فکری، (ب) حق ایجاد سازمان‌های مستقل، (ج) استقلال از سایر موسسات است. فصل دو اعلامیه از تعهدات دولت در برخورد با آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه صحبت می‌کند و برجسته‌ترین ماده موجود در این فصل یعنی ماده (۱۴)، از ناروایی و نابجایی و ممنوعیت دولت‌ها در استفاده از نیروهای نظامی، دفاعی و یا نیروهای امنیتی یا اطلاعاتی یا هر نیروی مشابه دیگری در محیط موسسات آموزشی صحبت می‌کند، (۱۹۹۰).

^{۲۲} در کنفرانس بین‌المللی آموزش عالی در قرن ۲۱ (اکتبر ۱۹۹۸) که بر اساس اعلامیه آزادی آکادمیک، استقلال و مسئولیت اجتماعی دانشگاه پیشنهاد شده توسط انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها در کنفرانس بین‌المللی که توسط یونسکو در سال ۱۹۵۰ برگزار شد، دانشگاههای جهان سه اصل را تصویب کردند. اصل دوم اشعار می‌دارد که دانشگاه‌ها باید:

افکار متفاوت را تحمل کنند و از دخالت‌های سیاسی مصون باشند و به عنوان نهادهای اجتماعی مستقل متعهد به ترویج آموزش و پژوهش، اصول آزادی و عدالت، کرامت انسانی و همبستگی، به منظور کمک به توسعه متقابل مادی و اخلاقی در سطح بین‌المللی باشند، (اکتبر ۱۹۹۸).

^{۲۳} ۲۶ می ۲۰۰۶.

^{۲۴} ۱۹۹۸.

در گذشته، سرچشمه آزادی آکادمیک بصورت سازمانی و فردی کمتر مورد توجه بود. بر این اساس، از دهه هفتاد میلادی اعتقاد بر این شد که آزادی آکادمیک نهادی و فردی است.

دیوید رابان^{۲۵} به عنوان استاد حقوق و رئیس سابق کمیته آزادی آکادمیک انجمن استادان دانشگاههای آمریکا نوشته است: «آزادی آکادمیک استادان به میزان قابل توجهی به استقلال دانشگاه از دولت بستگی دارد. ارتباط بین استقلال دانشگاه و آزادی آکادمیک بسیار تنگتنگ است. هر گونه دخالت دولت در زندگی فکری دانشگاه و استادان مضر است و این می تواند ملزومات ضروری استادان را به خطر اندازد. به فرض هماهنگی بین جنبه های سازمانی و جنبه های فردی آزادی آکادمیک، اختلافات موجود بر سر مفاهیم سنتی و مدرن آزادی های فردی و نهادی در جوامع مختلف، تهدیدی برای آزادی آکادمیک از درون دانشگاه است. تصادم فرهنگی میان مفاهیم سنتی آزادی های فردی و ایدئولوژی های جدید در دانشگاه ها نیاز به حساسیت و ظرافت برخورد و تصمیم گیری ویژه دارد».^{۲۶}

حال ممکن است این سوال پیش آید که آیا مدارس، معلمان و دانش آموزان نیز می توانند همانند دانشگاه ها، استادان و دانشجویان از آزادی آکادمیک برخوردار باشند؟ پاسخ به این پرسش منفی است. زیرا از یکسو، در خصوص این امر اجماع کلی وجود دارد که آموزش و پرورش کودکان باید اجباری باشد و این اجبار به نفع کودکان است. در میان اسناد و کنوانسیون های مختلف مرتبط با حق بر آموزش و پرورش، ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۴ کنوانسیون مبارزه علیه تبعیض در امر آموزش^{۲۷}، ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۲۸} و ماده ۲۸

²⁵David Raban.

²⁶ Donald A. Downs. Pope Center Series on Higher Education. Academic.Freedom. What It Is, What It Isn't, and How to Tell the Difference. (May 2009) .p.4.

^{۲۷}.۱۹۶۰

^{۲۸}.۱۹۶۶

کنوانسیون حقوق کودک^{۲۹} از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی هستند که کشورهای عضو را به شناسایی آموزشی ابتدایی اجباری و همگانی ملزم ساخته‌اند. بر این اساس، اکنون تعلیمات اجباری در اغلب کشورهای جهان اعمال می‌گردد. از سوی دیگر، اجباری بودن آموزش و پرورش با عمومی و متحد الشکل بودن آن رابطه دارد. درست است که همه کودکان را باید آموزش داد اما آیا لازم است همه آنان آموزش‌های یکسان ببینند و یک چیز بیاموزند؟ آیا می‌توان محتوا یا شکل آموزش را به عهده کودکان و والدین آنها گذاشت؟ پاسخ آن است که لزوم ایجاد دولت-کشور واحد و دفاع از هویت ملی ایجاب می‌کند که همه کودکان لازم‌التعلیم، ضرورتاً برخی آموزش‌ها را ببینند و مدارس، معلمان، والدین و دانش‌آموزان در انتخاب محتوای آموزش، آزاد و مختار نباشند. با وجود این، والدین در خصوص شکل آموزش نظیر آموزش در مدارس دولتی یا خصوصی و یا در منزل، می‌توانند آزاد باشند. بنابراین با توجه به اینکه کودکان از اشخاص آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند و عموماً قدرت تشخیص عقاید و نظریه‌های موجه از ناموجه را ندارند، لازم است در خصوص مطالبی که به آنها آموزش داده می‌شود دقت بیشتری به کار رود تا از تلقین نظرها و باورهای ناموجه معلمان به آنها اجتناب شود. این دغدغه سبب شده است تا بنابر اصل حمایت مضاعف از کودکان، انتشار هر گونه کتاب یا مطلب تبلیغی که مخاطب آن کودکان هستند در کشورهای مختلف با وسواس خاص کنترل

^{۲۹} Convention on the Rights of the Child, UN General Assembly, 20 November (1989).

۲.۱. مؤسسات پژوهشی

امروزه اصلی‌ترین معیار تعیین جایگاه علمی کشورها، میزان مشارکت در تولید علم، فناوری و نوآوری و نقشی است که آن کشور در روند توسعه علمی جهانی ایفا می‌نماید. مؤسسات پژوهشی در این راستا، فعالیت‌های پژوهشی، تجاری سازی یافته‌های پژوهشی، تولید فناوری، جذب فناوری‌های پیشرفته و انتقال یافته از خارج، انتشار یافته‌های پژوهشی، فناوری‌های نو و اطلاعات علمی را انجام می‌دهند. یونسکو تحقیق و توسعه را این چنین تعریف می‌کند: «تحقیق و توسعه به طور کلی به صورت هر فعالیت منسجم خلاق برای افزایش سطح دانش (اعم از دانش انسان، فرهنگ و جامعه) و استفاده از این دانش برای کاربردهای جدید تعریف می‌شود.»^{۳۲}

ماده ۳۹ اعلامیه کنفرانس آموزش عالی در خصوص اهمیت مراکز پژوهشی بیان می‌دارد: «با توجه به ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه پژوهش و توسعه در اکثر کشورها، موسسات باید در جست‌وجوی شیوه‌های جدید افزایش پژوهش و نوآوری از طریق مشارکت‌های دولتی و خصوصی و نیز بنگاه‌های کوچک و متوسط باشند.»^{۳۳}

آزادی در پژوهش یکی از عناصر کلیدی آزادی آکادمیک است. این

^{۳۰} آن صاری، باقر، سازوکارهای حقوقی حمایت از تولید علم، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۴، ۲۵.

^{۳۱} مفسران قانون اساسی ژاپن معتقدند نقش دولت در آموزش ابتدایی و متوسطه با نقش آن در آموزش عالی متفاوت است. در آموزش ابتدایی کارکرد آموزش عبارت است از القا کردن و آموزش دادن مطالب به هر نحو ممکن، اما کارکرد آموزش عالی عبارت است از جست‌وجوی حقیقت. بر این اساس آزادی آکادمیک در آموزش ابتدایی و متوسطه قابل قبول نیست. (همان، ص ۲۵).

^{۳۲} World Declaration Higher Education, Paris, World Conference on Higher Education, 5-8 July (2009).

^{۳۳} UNESCO, Report of The Meeting of Experts on Statistics and Indicators of Culture (Vienna, 3-7 December 1979), Paris, UNESCO, 1980.

آزادی در پی حق مطالعه مطرح می‌شود و در ارتباط با جمع‌آوری و تنظیم اطلاعات و دانش می‌باشد. با این حال آزادی در تحقیقات فراتر از حق مطالعه است و شامل جمع‌آوری و تنظیم اطلاعات در یک زمینه مشخص است و شامل استقلال در پژوهش، حق دسترسی به اطلاعات و منابع، انتخاب موضوع، انتخاب روش تجزیه و تحلیل و استخراج نتایج از یافته‌های آن می‌باشد.

این آزادی‌ها در ارتباط مستقیم با حق فرد در مطالعه و انتشار آزادانه نظریات و نتایج است البته این آزادی را بوسیله مقررات و حدود مشخص علمی و یا مقررات ویژه پروژه‌ای که در خصوص آن تحقیق می‌شود، مانند مقررات یک واحد تحقیقات یا دانشکده، یک پروژه یا برنامه تحقیقی و غیره محدود کرد. البته این قوانین، مقررات، حدود و ثغور باید به وضوح معین شده و به تصویب مرجع صلاحیت‌دار رسیده باشد.

دسته دیگری از محدودیت‌ها شامل آنهایی است که ماهیت اخلاقی دارند. به طور مثال در تحقیقات و آزمایشاتی که روی موجودات زنده به خصوص روی انسان‌ها و حیوانات انجام می‌شود. در این گونه آزمایشات و تحقیقات باید اقدامات احتیاطی و درمانی ویژه‌ای انجام گردد و همچنین می‌تواند دارای مقررات مشخصی بوده که نیازمند یک توجیه عینی هم داخلی و هم خارجی در انتخاب مبحث، موضوع و روش‌ها باشد.

در کل، جوهر استقلال در پژوهش بدان معنی است که یک محقق برخلاف خواست خود مجبور به تحقیق روی یک موضوع خاص یا مجبور به انجام دادن تحقیق با روشی ویژه و یا با تجزیه و تحلیلی مخصوصی نگردد تا به نتایج از پیش تعیین شده‌ای برسد و همچنین آزادانه بتواند نتایج تحقیقات خود را عاری از هرگونه فشار و ترس منتشر کند.

مراکز پژوهشی نیز همراه مراکز آموزشی تحت عنوان آزادی آکادمیک مورد حمایت اسناد و نهادهای مختلف حقوق بشری قرار گرفته‌اند. در این راه مراکز پژوهشی باید از آزادی‌های لازم مالی، اداری و استخدامی برخوردار

باشند و استقلال آنها نیز با سازوکارهای مناسب تضمین شود. محققان در مراکز پژوهشی باید آزادانه تحقیق کنند و بتوانند نتایج تحقیق خود را آزادانه اعلام کنند. البته در این راه باید از قوانین اداری، انضباطی و... که به هنگام استخدام به آنها ارائه شده است تبعیت کنند. محققان مراکز پژوهشی نباید در مسیر انجام تحقیقات خود مورد تهدید و ارباب قرار گیرند. دولت‌ها در قبال موسسات پژوهشی از یک طرف باید از دخالت و کنترل و تهدید خودداری کنند و از طرف دیگر زمینه‌های لازم در جهت کمک به مؤسسات پژوهشی در پیشبرد برنامه‌ها و رسیدن به اهداف خود کمک کنند، با توجه به اینکه آزادی تشکیل، فعالیت و رشد مؤسسات پژوهشی به طور مستقیم به توسعه کشورها و بهبود سطح سلامت و رفاه مردم و درآمد آنها و کاهش بیکاری و مرگ و میر و بیماری می‌انجامد، ضرورت آزادی آکادمیک در خصوص مؤسسات پژوهشی روشن می‌شود.

۲. آزادی آکادمیک دانشگاهیان

۱،۲. استادان

آزادی آکادمیک در تفسیر کمیته حقوق بشر سازمان ملل از ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، به آزادی استادان محدود شده است. وفق این ماده آزادی آکادمیک یعنی «آزادی افراد نسبت به اینکه عقاید خود را درباره دانشگاه یا مؤسسه‌ای که در آن کار می‌کنند آزادانه ابراز کنند، وظایف خود را بدون اعمال تبعیض نسبت به آنها و بدون ترس از دولت یا هر عامل ذی‌نفوذ دیگر انجام دهند، در واحدهای حرفه‌ای یا تشکیلات انتخابی دانشگاه مشارکت معنادار داشته باشند و از همه حقوق بشری که در سطح بین‌المللی مورد شناسایی واقع شده برخوردار شوند»^{۳۴}. با وجود این به نظر می‌رسد آزادی آکادمیک استادان، قلمرو گسترده‌ای دارد و برای تعیین محتوای آن، پاسخ به چند پرسش جدی لازم است: آیا استادان در انتخاب روش تدریس آزاد هستند؟

آیا استادان در تعیین محتوای درس آزادند؟

آیا استادان می‌توانند به مسائل خارج از موضوع درس در کلاس
بپردازند؟

آیا استادان حق ورود به مباحث سیاسی در کلاس‌های درس را دارند؟

آیا استادان در انتشار نتایج پژوهش‌های خود با مانع مواجه نیستند؟

آیا استادان از امنیت شغلی لازم برخوردارند؟

آیا استادان در تشکیل انجمن‌ها و تشکیلات علمی آزاداند؟

در نظام آموزش عالی برخی کشورها مانند آمریکا، برخورداری استادان از آزادی‌های مذکور محدود به رعایت دیگر وظایف حرفه‌ای است. در یکی از آرای معروفی که از دادگاهی در آمریکا صادر شده است، قلمرو آزادی آکادمیک استادان مورد بحث واقع شده است. قضیه از این قرار بود که پرفسور بیشاپ در کلاس‌های درسی خود در دانشگاه آلاباما، عقاید شخصی‌اش را درباره مسیحیت مطرح می‌کرد. هیئت امنای دانشگاه با تصویب مصوبه‌ای بیشاپ را از ارائه این گونه مباحث ممنوع کرد ولی طرح اندیشه‌های غیر مذهبی را آزاد دانست. بیشاپ علیه مصوبه مذکور شکایت کرد. دادگاه بدوی مصوبه دانشگاه را کلی و مبهم تشخیص داد و ابطال کرد. دانشگاه خواستار تجدید نظر در رأی مذکور شد. دادگاه تجدید نظر، اعتراض دانشگاه را با این استدلال که «استادان به عنوان شهروندان جامعه، در نهایت امر کارکنان دانشگاه هستند و دانشگاه به عنوان کارفرما می‌تواند در خصوص نحوه ارائه کارآمد خدمات توسط کارکنانش تصمیمات لازم را اتخاذ کند» وارد دانست.^{۳۵} در برخی از کشورها همانند آلمان اعمال محدودیت در اعمال آزادی آکادمیک مورد قبول واقع نشده است. در این کشور، استادان در انتخاب موضوعاتی که در کلاس‌ها ارائه می‌دهند و در نحوه ارائه مباحث و تحلیل‌ها آزادند و می‌توانند هر موضوعی که علاقه دارند مطرح کنند. اما در برخی دیگر از کشورها همانند آمریکا، آزادی استادان تنها در ارائه

موضوعات درسی مورد پذیرش است نه در آموزش هر موضوعی که خودشان بخواهند. در این خصوص همیشه این پرسش مطرح است که چه کسی غیر از استاد می‌تواند مرتبط بودن مباحث با موضوع درس را تشخیص دهد؟ در نظام دانشگاهی آلمان، استادان آزادند تا نهایت تلاش خود را برای همفکر ساختن دانشجویان با خود و تحمیل عقاید شخصی خود بر ایشان بنمایند، اما در نظام دانشگاهی برخی دیگر از کشورها همانند آمریکا، استادان موظف‌اند عقاید مختلف و نظرهای متفاوت با نظر خود را نیز بیان کنند. نظام دانشگاهی آلمان، آزادی استادان را محدود به فضای دانشگاه می‌داند و آن‌ها را مجاز به ورود در مباحث سیاسی نمی‌داند. اما در نظام دانشگاهی کشورهای دیگر مانند آمریکا، فعالیت‌های سیاسی استادان جزء لاینفک فعالیت‌های علمی و دانشگاهی آنها به شمار می‌رود.^{۳۶}

اعلامیه «اصول آزادی آکادمیک و تصدی» مصوب ۱۹۴۰ در مورد آزادی آکادمیک استادان و محققان است. هر چند این اعلامیه الزام آور نیست، اما تمام دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی بزرگ در آمریکا یا آنرا پذیرفته‌اند یا به اشکال گوناگون و به عنوان سیاست‌های زیر بنایی دانشکده در دانشگاه‌ها و یا در متن قراردادهای استخدامی بین دانشگاه و هر یک از اعضای هیأت علمی دانشکده منعکس کرده‌اند. اعلامیه دارالسلام نیز بر آزادی استادان تاکید دارد. در مجموع می‌توان آزادی استادان در تدریس، تحقیق و فعالیت‌های علمی آکادمیک را نقطه مشترک همه اسناد موجود در این زمینه دانست که مورد اتفاق نظر است.

اعلامیه اصول صادر شده در سال ۱۹۱۵ توسط انجمن امریکایی استادان دانشگاه (AAUP) اظهار داشت که: «دانشکده‌ها به صورت مستقل در آموزش عالی، به منظور ارتقاء شأن و منزلت حرفه استاد، با در نظر گرفتن شرایطی به جذب استنادی می‌پردازند که در آموزش و انتقال مطالب از توانایی بالایی برخوردار باشند و شخصیتی قوی و مستقل داشته باشند.

چنین قدرتی نه برآمده از قانون اساسی، بلکه منبعث از سیاست‌های متخذه توسط نهادهای دولتی و یا نهادهای مردمی است. دپارتمان حمایت حرفه‌ای باید میان حفاظت از آزادی آکادمیک مؤسسات و افراد، تعادل ایجاد کند.^{۳۷}

۳۸

در ادامه به بررسی حق تصدی به عنوان محور اصلی آزادی آکادمیک استادان پرداخته می‌شود. تصدی آکادمیک، آزادی آکادمیک را با تضمین عدم اخراج استادان مگر با دلایل کافی (نظیر عدم صلاحیت حرفه‌ای فاحش یا رفتاری که موجب هتک حیثیت جامعه آکادمیک گردد) مورد حمایت قرار می‌دهد. بنابراین، تصدی ابزار حمایت از آزادی آکادمیک استاد است. تصدی معمولاً شامل استاد یا پژوهشگری می‌شود که دوره‌های تعریف شده کارآموزی و استخدام آزمایشی را طبق نظر مؤسسه مربوطه با موفقیت پشت سر گذاشته باشد. به عبارت دیگر، تصدی به عنوان قراردادی مادام‌العمر بین استاد و دانشگاه است که می‌تواند گام اول در جهت حمایت از آزادی آکادمیک باشد. استادی که حق تصدی در دانشگاه را داشته باشد، مصون از برکناری و اخراج بی‌دلیل است. تصدی به استاد و محقق امنیت تحقیق (پیگیری) واقعیات بدون ترس از دست دادن شغل را اعطا می‌کند. به همین جهت اصل تصدی برای یک استاد یعنی اشتغال و استخدام دائم، امروزه در بسیاری از کشورهای غربی، به رغم عدم تصریح به آزادی آکادمیک در قانون اساسی همه آنها، حق قانونی تدریس که زمینه ساز

³⁷ Downs, Donald, A. op.cit. p. 85.

³⁸ در فرانسه از یک استاد، یا محقق در دانشگاه یا آزمایشگاه تحقیقاتی دولتی، انتظار می‌رود، به عنوان یک شهروند، رفتاری بی‌طرفانه و عاری از هر تمایل خاص سیاسی یا مذهبی از خود نشان دهد. با این حال، در قوانین جمهوری و شورای قانون اساسی، آزادی آکادمیک استادان دانشگاه، به عنوان یک اصل اساسی به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر این، وفق قانون اساسی استادان و پژوهشگران به طور کامل مستقل‌اند و از آزادی کامل در دوره تحقیقات و فعالیت‌های آموزشی خود بهره‌مندند و احترام به آنها، با توجه به سندهای دانشگاهی و قوانین موجود کاملاً به رسمیت شناخته شده است، همچنین انتصاب و ترفیع استادان تا حد زیادی از طریق روند بررسی همکاران و نه از طریق روش‌های عادی اداری صورت می‌گیرد. (France Education Code Article L952-2).

آزادی آکادمیک است، برای استادان دانشگاه تضمین شده است. فرآیندهای دقیق برای اخراج یک استاد شاغل به طور مفصل در اعلامیه ۱۹۴۰ ارائه شده است و حق تصدی که تضمینی برای این موضوع است با تفسیر بندهای اعلامیه پیش بینی گردیده است.

آزادی استادان شامل انتخاب کردن شغل استادی و داشتن فرصت‌های برابر در دستیابی به این شغل و آزادی‌های دیگری از جمله آزادی تدریس، پژوهش، سخنرانی، انتشار نتایج تحقیقات می‌باشد. در برابر آزادی استادان موانعی وجود دارد. استادان باید با استفاده از یک فرایند انتخاب باز و شفاف از بین داوطلبان تدریس در آموزش عالی و تحقیقات از بین افراد واجد شرایط انتخاب شوند. در کل مطابق با ماده ۴،۲ مصوبه ۲۷ نوامبر سال ۲۰۰۰ شورای اجتماعی اقتصادی باید چارچوبی متوازن در استخدام و اشتغال استادان وجود داشته باشد.^{۳۹} استادان باید در آموزش و پژوهش بر اساس چارچوب‌ها و مقررات مربوطه، موضوع و روش تدریس را تعیین کنند. استادان دانشگاه مسئول هستند که اطمینان حاصل نمایند موضوعات و روش‌های تدریس مناسب با سطحی است که در آن مقطع باید آموزش داده شود و هر دو (محتوا و روش) در جهت پیشرفت دانشجویان باشد. علاوه بر آن، با توجه به محتوا و نحوه آموزش، ساختار تدریس باید انعکاس دقیق و متعادلی از تفکر روز و در ارتباط با نظم اجتماعی باشد و از تعصب، تحریف، ارائه اطلاعات نادرست و سانسور به ویژه به طور عمدی و خوار و حقیر شمردن اظهارات دیگران و یا بیان نظرات تبعیض‌آمیز در مورد افراد یا گروه‌ها اجتناب شود، مگر اینکه این اظهارات به طور مستقیم در ارتباط با موضوع بحث باشد. بیان استادان و یا دفاع از عقاید تحریک‌آمیز که به موضوع بحث مربوط می‌شود نباید به گونه‌ای باشد که نتایج خشونت‌آمیز داشته باشد.^{۴۰}

^{۳۹} EC/78/2000.

^{۴۰} Jogchum Vrieling, Paul Lemmens and Stephan Parmentier (K.U.Leuven), and comments by the LERU Working Group on Human

آزادی آکادمیک در تدریس استادان، محدود کردن حقوق دانشجویان و هر نوع تحقیر آنان و همچنین بیان سخنان تبعیض آمیزی که دانشجویان خاص و یا سایر اقلیت‌ها یا گروه‌ها را مورد هدف قرار دهد را قابل پذیرش نمی‌داند. علاوه بر آن، استادان باید تلاش کنند فضایی برای دانشجویان ایجاد شود تا بتوانند با استفاده و تجزیه و تحلیل آنچه که آموخته‌اند نظریات خود را بیان کنند.^{۴۱} آزادی آکادمیک بین آزادی فردی تدریس و آزادی دانشکده، دانشگاه، پژوهشکده و سایر موسسات علمی که استادان و پژوهشگران در آنجا فعال هستند و به بیان دیگر بین آزادی فردی و آزادی جمعی و سازمانی تعادل ایجاد می‌کند. آزادی فردی استادان و پژوهشگران تا حدی توسط چارچوب و مقررات مصوب نهادی که در آن کار می‌کنند تعیین می‌شود. «البته استادان باید نقش برجسته‌ای در تعیین برنامه‌های آموزشی داشته باشند، و بتوانند بدون اجبار دیدگاه‌های از پیش تعیین شده سیاسی، فلسفی، مذهبی را بپذیرند یا نپذیرند و عقاید، نظریات و دیدگاه‌های خودشان را داشته باشند و آنها را آزادانه بیان کنند و به بحث بگذارند».^{۴۲}

بیشتر بحث آزادی آکادمیک بر روی حقوق افراد در جامعه دانشگاهی متمرکز است. یکی از برجسته‌ترین چالش‌ها، در این زمینه، در تنش میان مقررات دولت و استقلال نهادی دانشگاهها و آزادی استادان در تدریس، پژوهش و انتشار نتایج آن و اظهار نظر بوجود می‌آید. تهدید به تجاوز دولتی به آزادی آکادمیک در دانشگاه‌های دولتی و در کشورهایی که در آن تقریباً تمام بودجه علمی از سوی دولت تامین می‌شود، شایع‌تر است و دولت از طریق کنترل منابع در اختیار، دانشگاهها و استادان را تحت فشار قرار می‌دهد. چون بودجه موسسه تحقیقاتی معمولاً توسط دولت تامین می‌شود،

مقامات به دانشگاه یا حتی استادان فشار وارد می‌کنند. حتی مشاهده می‌شود که دولت در شکل و محتوای برنامه‌های درسی دخالت می‌کند و استادان را کنترل و تهدید می‌کند. علاوه بر چالش‌های مستقیم، آزادی آکادمیک با تعدادی از تهدیدهای غیر مستقیم از جانب دولت مواجه است. گاهی اوقات سیاست‌های مستقیم پرداختن به دانشگاه دارای عواقب جدی برای آزادی آکادمیک است و مصداق آن افزایش عدم تحمل نسبت به استادان و دانشجویان با افکار غیر هم‌سو با هیئت حاکم است.^{۴۳} چاره این است که دولت تضمین، تضمین و احترام به آزادی آکادمیک در نهادهای خود را گسترش دهد. در بعضی از کشورها سازوکارهایی برای کنترل دخالت دولت در دانشگاه‌ها وجود دارد و نهادهای مستقلی از این مهم حمایت می‌کنند.^{۴۴}

۲.۲. دانشجویان

دانشجویان دومین ذی‌نفعان مهم آزادی آکادمیک به شمار می‌روند. در خصوص کم و کیف برخورداری دانشجویان از این آزادی، چند پرسش مهم مطرح است:

^{۴۳} در مواردی استادان تهدید می‌شوند و در مواردی شکل عملی هم به خود می‌گیرد. برخی از استادان حتی در کلاس درس خود تعقیب می‌شوند حتی در برخی دانشگاه‌ها از استادان کتبا خواسته می‌شود تا از بستن در اتاق کارشان خودداری کنند و حراست و نهادهای امنیتی و شبه امنیتی بدون پرده‌پوشی و به گونه‌ای واضح دست به جاسوسی، ضبط حرف‌ها یا برخورد پلیسی با آن‌ها می‌زند و آنها را از داشتن محیط آموزشی آزاد که در آن بتوانند ارتباط و گفتگوی آزاد با سایر همکاران و دانشجویان در داخل و خارج از کشور داشته باشند و در محیطی آرام عاری از هرگونه پیش‌دوری و قضاوت بتوانند نظرات خود را بدون ترس از عواقب آن بیان کنند محروم می‌کنند. دادن فرصت مطالعاتی، سفر به خارج از کشور یا ترفیع اداری و علمی استادان در یک محیط آموزشی و پژوهشی نباید تحت تأثیر عواملی غیر از شایستگی‌های علمی باشد. استادان باید دسترسی آزاد به منابع علمی و تحقیقی داشته باشند و در این مسیر از هرگونه سانسور و فیلتر آزاد باشند.

^{۴۴} مثلاً در آمریکا دیوان عالی کشور همواره تأکید بر استقلال و آزادی استادان دانشگاه دارد و یک کرسی در محکمه استادان به یک استاد دانشگاه اختصاص دارد. از طرف دیگر مردم به طور کلی نسبت به اظهارات استادان با تساهل و تسامح برخورد می‌کنند و اکثراً دولت را به عنوان تهدید اصلی آزادی آکادمیک تلقی می‌کنند.

آیا نظر دانشجویان در ارائه و انتخاب واحدهای درسی مورد نظر محترم شمرده می‌شود؟

آیا دانشجویان حق تعیین محتوای درس خود را دارند؟

آیا دانشجویان حق انتخاب استاد مورد نظر برای دروس خود را دارند؟

آیا دانشجویان حق دارند در تنظیم برنامه‌های آموزشی مشارکت داشته باشند؟

آیا نظر دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در انتخاب موضوع و

استاد مورد نظر برای پایان‌نامه خود محترم شمرده می‌شود؟

به نظر می‌رسد که می‌توان پرسش‌های مذکور را در قالب یک پرسش

کلی خلاصه کرد: آیا دانشجویان حق دارند در مدیریت نظام آموزش عالی و

دانشگاهها مشارکت داشته باشند؟ و تا چه اندازه؟ به نظر می‌رسد پاسخ به

این پرسش از دو زاویه قابل مطالعه است: مشارکت دانشجویان در مدیریت

سازمان آموزشی و مشارکت دانشجویان در محتوای آموزش. منظور از

مشارکت دانشجویان در مدیریت سازمان آموزشی ممکن است با آزادی

آکادمیک دانشگاهها در تعارض قرار گیرد. در نتیجه باید از خود پرسید در

صورت وقوع چنین تعارضی کدام آزادی مقدم است؟ منظور از مشارکت

دانشجویان در محتوای آموزش عبارت است از مشارکت در انتخاب واحدهای

درسی مورد نظر خود، تعیین محتوای دروس و انتخاب موضوع پایان‌نامه.^{۴۵}

به استناد ماده ۱ اعلامیه اصول،^{۴۶} آزادی آکادمیک صرفاً به معنای

استحقاق استادان بر آزادی کامل در تدریس، پژوهش و انتشار نتایج آنهاست

و این آزادی برای دانشجویان شناخته نشده است. شاید به این علت که

دانشجویان به یادگیری اهتمام دارند نه به تولید علم و دانش. این درحالی

است که برخلاف اعلامیه فوق، اعلامیه آزادی آکادمیک دارالسلام، آزادی

آکادمیک را برای دانشجویان به رسمیت شناخته است. این آزادی شامل

^{۴۵} همان، صص ۲۲-۲۳.

آزادی مطالعه مانند حق انتخاب زمینه‌های مطالعاتی در رشته مورد نظر، احترام به حق ابراز و انتشار نظرات در مورد هر مسئله ملی یا بین‌المللی به صورت فردی یا گروهی و حق به چالش کشیدن یا اختلاف نظر داشتن با اساتید خود بدون ترس از اقدام تلافی‌جویانه یا جبران به هر شکل دیگری است.^{۴۷} آزادی آکادمیک، به دانشجویان آزادی گفتار و بیان، فکر و بحث و استدلال می‌دهد و ایشان را در یادگیری، نقد، خلاقیت، شرکت در انواع فعالیت‌های علمی، انتخاب، ارائه گزارش و تحقیقات و تبادل ایده‌ها آزاد می‌گذارد. دانشجویان باید از افشای نظرات و دیدگاه‌های بیان شده در اثنای امتحانات، گزارشات و آموزش‌ها توسط استادان و همچنین از هر گونه تهمت و یا بهره‌برداری از اشتباهاتی که ممکن است در کارهای آموزشی، تحقیقی و تکالیف آنها ثبت شده باشد، مصون باشند. دانشجویان باید آزادانه باورهای خود را توسعه دهند، نگرش مستقل از استادان خود و نیز نهاد آموزش و پرورش داشته باشند و آزادانه در سخنرانی‌ها و یا برنامه‌های دانشگاهی شرکت بجویند یا نجویند. آنها باید آزادی انجام اعمال و سنجش امور خود را داشته باشند و حق قبول یا رد ایده‌های استادان و یا موسسه آموزشی را داشته باشند. همچنین آنها باید حق و آزادی در یادگیری و تغییر دانشگاه را داشته باشند.

بر اساس آزادی آکادمیک، دانشجویان در داشتن تشکل و انجمن‌های علمی آزادند و محرومیت از تحصیل، اخراج، ارباب، ستاره‌دار کردن و محدودیت‌های دیگر دانشجویان بر خلاف آزادی‌های مصرح در اسناد جهانی، منطقه‌ای و ملی حقوق بشر است. مکانیسم ستاره‌دار کردن برای تبعیض و جداسازی دانشجویان به قصد محروم ساختن آنان از ادامه تحصیلات عالی که به علت عقاید متفاوت و دگراندیشی آنان، ممارست در استفاده از آزادی بیان و انجمن‌ها، و باورهای مذهبی خاص یا هر علت

⁴⁷ Dar es Salaam Declaration, University of Dar es Salaam Academic Staff Assembly, (1990).

غیرقانونی و متعارض با حقوق شناخته شده بشر باشد مبین نقض سیستماتیک حقوق آزادی بیان، اجتماعات، و عقیده بوده و یک بی‌توجهی جدی نسبت به حق تحصیل و آزادی آکادمیک محسوب می‌شود. با نگاهی به فرآیند ستاره دار و محروم کردن دانشجویان از آموزش عالی در ایران در دهه هشتاد شمسی، متوجه می‌شویم، این مکانیسم هیچ ارتباطی با عملکرد تحصیلی یا رتبه بندی در امتحانات ورودی بسیاری رقابتی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ندارد. در واقع، در موارد زیادی، دانشجویان محروم شده مجرب بودند، در امتحانات ورودی نمرات قبولی، حتی رتبه‌های بسیار بالا گرفته بودند، و قطعاً می‌بایست پذیرفته می‌شدند اما با این وجود، این متقاضیان با تبعیض و یا جدا سازی سیستماتیک و با مقاصد سیاسی روبرو بودند. برخورد با دانشجویان منتقد و وضعیت موجود و فعال سیاسی و اجتماعی تحت عنوان دانشجویان ستاره‌دار یا هر عنوان مشابه دیگر کاملاً غیر قانونی است و رسیدگی به وضعیت این دانشجویان و عدم ممانعت از تحصیل آنها کاملاً ضروری است. همچنین سوءاستفاده از مکانیزم‌های کنترلی دیگر در محیط دانشگاه‌ها تحت عنوان کمیته انضباطی یا عناوین دیگر که می‌تواند طی یک فرآیند انتخاباتی صحیح با انتخاب افراد شایسته از بین خود دانشجویان در جهت کنترل و حفاظت از قوانین و آیین‌نامه‌های فرهنگی و آموزشی به کار آید برای احضار، محاکمه و تعلیق دانشجویانی که در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته یا در نشریات دانشجویی و انجمن‌های دانشجویی فعال بوده‌اند کاملاً در تباین با آزادی آکادمیک است. همچنین استفاده از گزینش غیر علمی و به منظور تسویه نیروهای مخالف ساختار قدرت و دارای اعتقادات مذهبی خاص و ممانعت از دسترسی آنها به مراکز آموزش عالی نیز در تباین با نظام بین‌المللی حقوق بشر و آزادی آکادمیک است.

عدم مطابقت مواردی که در قوانین کشور در این موارد و یا موارد دیگری از این دست با نظام بین‌المللی حقوق بشر و اصول آزادی آکادمیک

وجود دارد و استمرار آنها می‌تواند مسئولیت بین المللی دولت‌ها را مطرح کند.

۳. حدود آزادی آکادمیک و سازوکارهای حمایت از آن

۱,۳. حدود آزادی آکادمیک

آزادی آکادمیک، مطلق نیست و به حدود و ثغوری محدود می‌شود. به رغم وجود موارد بسیاری که دقیقاً می‌توان مشخص کرد که تحت چتر آزادی آکادمیک قرار می‌گیرند یا خیر، مواردی نیز وجود دارد که حمایت آزادی آکادمیک از آنها محل اختلاف است و در منطقه خاکستری قرار می‌گیرند، بنابراین مشخص کردن دقیق حدود آزادی آکادمیک با موانعی روبرو است. برای تأمین استقلال فکری استادان و دانشجویان و به منظور حفاظت از اصل تنوع فکری، اصول و روش‌های خاصی در دانشگاهها و موسسات برای تعیین حدود و ثغور آزادی آکادمیک باید رعایت شود با وجود این، لزوم عدم سوء استفاده از این محدودیت‌ها مستلزم تعیین کاملاً صریح و روشن دامنه و ماهیت آنهاست. آزادی آکادمیک و حق تصدیق از استادان فاقد شرایط مورد وفاق جامعه علمی در برابر از دادن کارشان، در خصوص چالش‌هایی که با همکاران و یا دانشجویان درباره مخالفت با فلسفه و شیوه‌های آموزشی آنها، حمایت نمی‌کند. همچنین آزادی آکادمیک به دانشجویان یا اعضای هیئت علمی حق نقض مقررات کالج یا دانشگاه را اعطا نمی‌کند و به رغم آنکه به استادان و دانشجویان حق انتقاد از مقرراتی که به ناعادلانه بودن آنها باور دارند را می‌دهد، از دانشجویان یا اعضای هیئت علمی در برابر اقدامات انضباطی و محدودیت‌های ناشی از سوء رفتار حرفه‌ای محافظت نمی‌کند. اما نباید از خاطر دور داشت که این عدم حمایت مستلزم آن است که اقدامات انضباطی بصورت عادلانه و طی مراحل قانونی باشد.^{۴۸}

^{۴۸}Nelson, Cary, Candidate Statement, (2008), Available at: <http://www.cary-nelson.org/nelson/aaup-statement>.

آزادی آکادمیک و حق تصدی، محدودیت‌های مختلفی را به منظور حفظ شایستگی اعضای هیئت علمی (به صورت محرومیت از اعطای فرصت مطالعاتی و دوره‌های آموزشی مطلوب و احکام نهادهای مسئول دانشکده و دانشگاه در خصوص استاد) مطابق با موافقت نامه‌ها و مقررات تنظیم شده توسط دانشکده وضع می‌کند. محدوده آزادی آکادمیک استادان خیلی مشخص نیست و در بسیاری مواقع محل اختلاف است. اما به نظر می‌رسد استادان در عین برخورداری از آزادی آکادمیک باید به قوانین و مقررات دانشگاه و دانشکده پایبند باشند و حدود مشروع این آزادی را رعایت کنند و این آزادی ابزاری برای سوء رفتار، شانه خالی کردن از انجام وظایف و اعمالی که حیثیت جامعه علمی را خدشه‌دار کند، نباشد.⁴⁹

دانشجویان نیز باید یکسری الزامات، قوانین و حدود را رعایت کنند، از جمله اینکه باید در انجام وظایف خود پاسخگو باشند و بوسیله امتحانات ارزیابی شوند، قوانین دانشگاه را رعایت کنند، به حقوق دیگران احترام بگذارند، تکالیف ارجاعی را انجام دهند. در کل آزادی آکادمیک به معنای هرج و مرج و بی بند و باری برای دانشجویان نیست.

علاوه بر محدودیت‌هایی که برای استادان و دانشجویان وجود دارد مراکز علمی و موسسات نیز چارچوب‌ها و محدودیت‌هایی دارند. استخدام اساتید و پذیرش دانشجویان و اخراج آنها و ارتقا و دوره تصدی استادان باید بر اساس صلاحیت و دانش مناسب در زمینه تخصص مربوطه و با دیدگاهی باز نسبت به ترویج و توسعه روش و چشم اندازهای مربوط انجام شود. هیچ دانشکده‌ای در استخدام یا اخراج، رد ترفیع و یا تصدی استادان و پذیرش و رد دانشجویان بر اساس اعتقادات سیاسی یا مذهبی آنها تصمیم نگیرد و هیچ یک از اعضای هیئت علمی از کمیته‌های تصدی و استخدام بر اساس عقاید سیاسی یا مذهبی حذف نشوند و دانشجویان نیز بر اساس دانش مناسب، استعداد، مطالعه و تلاش و نه بر اساس اعتقادات سیاسی یا مذهبی

⁴⁹Ibid.

شان در رشته‌های مربوط پذیرفته و تحصیل کنند. برنامه‌های آموزشی و مطالعه در علوم انسانی و اجتماعی باید با عدم قطعیت و جستجوی تمام دانش بشری در این زمینه‌ها به دانشجویان ارائه شود و آنها با منابع و دیدگاه‌های مختلف و مخالف مربوطه آشنا شوند. استادان باید به دنبال یافته‌ها و دیدگاه‌های خود در ارائه نظرات، دانشجویان را از دیدگاه‌های دیگر نیز آگاه سازند. رشته‌های دانشگاهی باید تنوع لازم برای پاسخگویی به دغدغه‌ها و سؤالات ذهنی داوطلبان ورود به دانشگاه را داشته باشند و طیف وسیعی از دیدگاه‌های علمی به دانشجویان ارائه شود و مورد بررسی قرار گیرد که این از مسئولیت‌های عمده‌ی اعضای هیات علمی است. دانشکده دوره‌های خود را به دور از تلقین‌های سیاسی، ایدئولوژیک، مذهبی و یا ضد مذهبی برقرار کند. انتخاب سخنرانان مختلف جهت صحبت در دانشگاه‌ها، تخصیص بودجه برای این برنامه‌ها و فعالیت‌های دانشجویان از اصول آزادی آکادمیک در جهت رعایت ترویج کثرت‌گرایی فکری است و انتقاد از سیاست‌های دانشگاه هرچند اساسی، مانع دعوت از سخنرانان منتقد، نخواهد بود.^{۵۰} پیشرفت دانش هنگامی رخ می‌دهد که محققان برای رسیدن به نتیجه از روش‌ها، واقعیت‌ها، و نظریه یا پژوهش‌های مختلف تأیید شده استفاده کنند و موسسات علمی و جوامع حرفه‌ای اقدامات لازم را برای پیشبرد دانش، پژوهش، حفظ یکپارچگی فرآیند پژوهش به منظور بررسی یافته‌های محققان و تفسیر آنها انجام دهند. برای نیل به این مقصود، موسسات دانشگاهی و جوامع علمی باید به اندازه کافی موضع بی‌طرفانه خود را با توجه به اختلافات اساسی که محققان در مورد مسائل درونی و یا بیرونی دارند حفظ کنند و به خطوط قرمز مشروع آزادی آکادمیک توجه کنند تا امکان پرس و جو فراهم نگه داشته شود.

⁵⁰ Ibid.

۲.۳. سازوکارهای حمایت از آزادی آکادمیک در سطح جهانی،

منطقه‌ای و ملی

به عنوان یک قاعده کلی، برای جلوگیری از نقض آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه‌ها باید همواره وضعیت آن را در سطوح ملی و بین‌المللی زیر نظر داشت. اقدام در سطح محلی یا ملی اکثراً مرجح است و در صورت امکان، استفاده از ابزار ملی پیش شرط ضروری برای دسترسی به مکانیزم‌های قانونی منطقه‌ای و بین‌المللی است. سیستم‌های منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر معمولاً در عدم رسیدگی سیستم داخلی باید مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال، دادگاه اروپایی حقوق بشر راه اول برای فردی که حقوق اساسی او نقض شده نیست، مگر بتواند ثابت کند که از طریق سیستم قانونی داخلی جوابی نگرفته است.^{۵۱} با توجه به این اصل ضروری، برخی از مکانیزم‌های مهم در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی برای حمایت از آزادی‌های آکادمیک و استقلال دانشگاه به شرح زیر است:

۱.۲.۳. سازوکارهای حمایت در سطح جهانی

آزادی آکادمیک در موازین جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر و اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای و ملی آمده است. از مهم‌ترین اسناد جهانی می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین اشاره کرد که از میان آن‌ها اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور خاص، مسائل مربوط به آزادی آکادمیک را به رسمیت می‌شناسد. کنوانسیون‌هایی به طور مستقیم یا غیر مستقیم از آزادی آکادمیک، حمایت می‌کنند که از میان آنها می‌توان به کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش از اسناد یونسکو،^{۵۲} کنوانسیون

⁵¹ See «European Court of Human Rights, Questions and Answers», available at:

http://www.echr.coe.int/NR/rdonlyres/37C26BF0-EE46-437E-B810-EA900D18D49B/0/ENG_QR.pdf, p.4.

⁵² Convention against Discrimination in Education, General Conference of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, (14 December 1960).

بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی،^{۵۳} کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان،^{۵۴} کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده^{۵۵} اشاره کرد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از آزادی آکادمیک حمایت می‌کنند. علاوه بر این، سه توصیه‌ی بین‌المللی در خصوص آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه به طور خاص از فعالان آموزش حرفه‌ای حمایت می‌کنند، که عبارتند از توصیه سازمان جهانی کار و یونسکو،^{۵۶} توصیه یونسکو در مورد وضعیت آموزش کارکنان آموزش عالی.^{۵۸} در بعد جهانی در حال حاضر هیچ یک از معاهدات سازمان ملل متحد به آزادی

^{۵۳}International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, United Nations General Assembly, (December 21, 1965).

^{۵۴}Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination against Women, United Nations General Assembly, (1979).

^{۵۵}Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (United Nations Convention against Torture), United Nations General Assembly, (10 December 1984).

^{۵۶}ILO/UNESCO Recommendation concerning the Status of Teachers, (5 October 1966).

^{۵۷} در ماده ۸ اشاره دارد به ارتباطات باز، ارائه آزادانه فرضیه و نظریات، به عنوان «آزادی آکادمیک» که در قلب خیلی از فرایندهای علمی، فراهم می‌شود و این توصیه توازن حقوق و مسئولیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد و اشاره دارد به پاسخگویی پژوهشگران علمی به جامعه در حالی که در همان زمان دارای درجه‌ای از خودمختاری مناسب در کار خود جهت پیشرفت علم و فن آوری هستند، (۱۹۷۴).

(UNESCO Recommendation on the Status of Scientific Researchers, General Conference, (20 November 1974)).

^{۵۸} این توصیه در حمایت از آزادی آکادمیک در جزئیات به مراتب قوی‌تر از هر یک از معاهدات حقوق بشر است. حقوق ذکر شده عبارتند از: آزادی آکادمیک، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی به رسمیت شناخته شده توسط اسناد بین‌المللی، و حق برخورداری از آموزش و انجام کار تحقیقاتی «بدون هر گونه دخالت» (ماده ۲۶-۲۹). حمایت‌های خاص لازم برای تضمین آزادی آکادمیک از جمله، دسترسی به کتابخانه‌ها، سیستم‌های کامپیوتری و پایگاه داده‌ها بدون سانسور، آزادی برای انتشار نتایج تحقیقات و آزادی برای شرکت در گردهمایی‌های بین‌المللی در ماده ۱۱-۱۴ آمده است، (۱۹۹۷).

(UNESCO Recommendation concerning the Status of Higher-Education Teaching Personnel (11 November 1997)).

آکادمیک و استقلال دانشگاه اختصاص نیافته است. با این حال ممکن است، دانشگاهیان و فعالان برای حمایت از آزادی آکادمیک راه‌های کلی‌تری در سازمان ملل متحد و ابزارهای حقوق بشر مربوط به آن و مکانیزم‌های مؤثر در این خصوص برگزینند. برخی از مهم‌ترین این سازوکارها در ادامه ارائه شده است.

یونسکو به عنوان تنها نهاد سازمان ملل در آموزش عالی یک سازمان تاثیرگذار برای دانشگاهیان و همچنین ترویج آزادی آکادمیک است.^{۵۹} در واقع، یونسکو برای ترویج آموزش عالی در جامعه به طور فزاینده‌ای بر اساس دانش به عنوان عامل بنیادین توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و در پی آن ظرفیت‌سازی، توسعه پایدار، دموکراسی، صلح و عدالت فعالیت می‌کند.^{۶۰} حقوق در صلاحیت یونسکو اصولاً در اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانده شده است، از جمله حق آموزش (ماده ۲۶)، حق بر اشتراک گذاشتن پیشرفت علمی (ماده ۲۷)، حق مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی (ماده ۲۷) حق برخورداری از اطلاعات، آزادی بیان و عقیده.^{۶۱} راهکار یونسکو برای مقابله با نقض حقوق بشر در زمینه‌های آموزش و پرورش، علوم، فرهنگ و ارتباطات، روش شکایت محرمانه فردی است. علاوه بر این، به طور خاص در رابطه با آموزش عالی، کمیته مشترک کارشناسان یونسکو و سازمان جهانی کار^{۶۲} در ارائه توصیه‌های مربوط به استادان آموزش عالی،^{۶۳} وجود دارد که کارکرد آن نظارت و تحقق توصیه یونسکو در مورد وضعیت مدرسان^{۶۴} و توصیه یونسکو در مورد جایگاه پرسنل آموزش عالی است.^{۶۵} روش شکایت فردی و CEART از دیگر راهکارهای یونسکو در این

⁵⁹ See <http://www.unesco.org/en/higher-education>.

⁶⁰ See <http://www.unesco.org/en/higher-education/mission>.

⁶¹ See <http://portal.unesco.org>

⁶² ILO-UNESCO

⁶³ CEART

⁶⁴ ۱۹۶۶

⁶⁵ See <http://portal.unesco.org/education>, (1997).

زمینه است.^{۶۶}

در جهت اجرای توصیه‌ها و به منظور تسهیل همکاری نزدیک بین سازمان بین‌المللی کار و یونسکو، کمیته‌ای مشترک تاسیس شد.^{۶۷ ۶۸ ۶۹} بدین صورت که ادعای عدم رعایت توصیه را به دبیرخانه مشترک CEART ارسال کنند.^{۷۰}

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر،^{۷۱} کمک به تلاش برای گنجاندن استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در قوانین ملی و توصیه در ایجاد و عملکرد مستقل نهادهای ملی حقوق بشر را بر عهده دارد.^{۷۲} دانشگاہیان و مدافعان آزادی آکادمیک می‌توانند شکایات خود را از طریق مکانیزم‌های حقوق بشری که دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر فراهم می‌کند، ارائه کنند.^{۷۳}

^{۶۶} افرادی که قربانی نقض حقوق بشر در صلاحیت یونسکو هستند، می‌توانند شکایت خود را ارائه کنند. رسیدگی به شکایات نیز می‌تواند توسط افراد یا گروههایی از افراد، که اطلاعات قابل اعتماد و کافی از مورد نقض شده دارند انجام شود.

^{۶۷}A list of the current appointed members is available at:
<http://www.ilo.org/public/english/dialogue/sector/techmeet/ceart/about2.htm>

^{۶۸} وظیفه کمیته مشترک، نظارت بر وضعیت مدرسان و استادان پیرو توصیه در مورد وضعیت مدرسان و توصیه در مورد وضعیت پرسنل آموزش عالی است. انجمن‌های ملی و بین‌المللی استادان نیز می‌توانند به عدم رعایت مقررات توصیه‌ها در کشورهای عضو نزد کمیته شکایت کنند.

^{۶۹}Art.1(c) of the Revised Mandate of the Joint ILO/UNESCO Committee of Experts on the Application of the Recommendation concerning the Status of Teachers is available online at
www.ilo.org/public/english/standards/reln/gb/docs/gb276/lils-9.htm

^{۷۰} See:<http://www.ilo.org/public/english/dialogue/sector/techmeet/ceart/about4.htm>

p. 22.

^{۷۱}.OHCHR

^{۷۲} See Working with the United Nations Human Rights Programme: a Handbook for Civil Society, p. 8, available at:
<http://www.ohchr.org/Documents/Publications/NgoHandbook/ngohandbook1.pdf>

^{۷۳} مکانیزم‌های بررسی دوره‌ای جهانی (UPR) و رویه ویژه شورای حقوق بشر نیز می‌تواند مورد استفاده مؤثر مدافعان آزادی آکادمیک باشد. این شورا دارای کارشناسان مستقل حقوق بشر به صورت جداگانه با عناوین: «گزارشگر ویژه»، «نماینده ویژه دبیر کل» و یا «کارشناس مستقل» در

همایش‌های جهانی زیادی در ارتباط با آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه برگزار شده و اعلامیه‌هایی نیز توسط این همایش‌ها و سازمان‌های غیردولتی و بین‌دولتی در به رسمیت شناختن عناصر خاصی از آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه و همچنین حقوق و تعهدات محققان، دانشگاه‌ها، دولت‌ها و مقامات دیگر صادر شده است. از این جمله می‌توان به اعلامیه لیما^{۷۴} اشاره کرد که توسط مجمع عمومی سازمان ملل با همکاری سرویس دانشگاه‌های جهان (WUS)، در پاسخ به افزایش تمایل به تضعیف محدود و یا سرکوب کردن آزادی آکادمیک و استقلال موسسات آموزش عالی در کشورهای جهان سوم تصویب شد.^{۷۵} کنفرانس آموزش عالی در قرن ۲۱،^{۷۶} کنفرانس جهانی از رؤسای دانشگاه‌ها،^{۷۷} کنفرانس جهانی آموزش عالی^{۷۸} نیز از این جمله‌اند.

یک گروه کاری است. سه روش در این ارتباط وجود دارد که به خصوص می‌تواند مربوط به مدافعان آزادی آکادمیک باشد:

گزارشگر ویژه ارتقاء و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان: مسوول دریافت و پاسخ به گزارش‌های مربوط به نقض حق آزادی عقیده و بیان، به ویژه تهدید روزنامه نگاران و یا حرفه‌های دیگر در حوزه اطلاعات است.

گزارشگر ویژه حق آموزش: مسوول دریافت و پاسخ به اطلاعات در اجرای حق آموزش و پرورش است و توصیه‌هایی در مورد اقدامات برای ارتقاء و حمایت از این حق ارائه می‌دهد. نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در مورد وضعیت مدافعان حقوق بشر: وظیفه دریافت و پاسخ به اطلاعات در مورد شرایط مدافعان حقوق بشر را دارد و اجرای اعلامیه مدافعان حقوق بشر را ترویج می‌کند.

^{۷۴} این اعلامیه از تمام فعالیت‌های علمی بدون تبعیض و از حق ارتباط برای دانشگاهیان در هر نقطه از جهان، حمایت می‌کند و استانداردهای حرفه‌ای را ترسیم می‌کند که امتیازات و تعهدات مربوط به آزادی آکادمیک را در پی دارد (ماده ۱۳). این اعلامیه همچنین شامل مفاد مختلف در اهمیت استقلال دانشگاه و موسسات آموزش عالی از دولت و مقامات دیگر در پرداختن به مسائل مالی، سازمان داخلی، آموزش و پرورش و سیاست‌های پژوهشی است (ماده ۱)، (۱۹۹۸).

^{۷۵} Goran Hyden, «The Efforts to Restore Intellectual Freedom in Africa», Issue: A Journal of Opinion, African Studies Association, Vol. 20, no. 1, (Winter 1991), at 5.5.

^{۷۶} اکتبر ۱۹۹۸.

^{۷۷} ژانویه ۲۰۰۵.

^{۷۸} جولای ۲۰۰۹.

۲،۲،۳. سازوکارهای حمایت در سطح منطقه‌ای

حقوق بشر منطقه‌ای در سیستم‌های هم راستا و مکمل نظام ملل متحد با ترویج و حمایت از حقوق بشر در مناطق مختلف جهان از جمله قاره آفریقا، اروپا و آمریکا فعال است. منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم شامل یک لیست طولانی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در ارتباط با آزادی آکادمیک است.^{۷۹}

پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی (پروتکل سان سالوادور) در مواد مختلفی از آزادی آکادمیک حمایت می‌کند.^{۸۰} کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی همراه با پروتکل‌های آن نیز در مواد مختلف از آزادی‌هایی که در ارتباط با آزادی آکادمیک است حمایت می‌کند.^{۸۱} منطقه آسیا یک سند قانونی متحد برای حقوق بشر و آزادی آکادمیک ندارد هر چند تلاش‌های مهمی در این خصوص صورت گرفته است.^{۸۲} در ادامه مهم‌ترین نهادها و مکانیسم‌ها در بعد منطقه‌ای ذکر شده

⁷⁹African Charter on Human and Peoples' Rights, Organization of African Unity, (27 June 1981).

^{۸۰} از جمله حق برخورداری از آموزش و پرورش و اهداف مناسب از آموزش و پرورش (ماده ۱۳)، حق برخورداری از مزایای پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک و الزام به احترام به آزادی ضروری برای پژوهش‌های علمی و فعالیت خلاق و همچنین همکاری بین‌المللی در این زمینه را برای ارتقا شرایط کار به رسمیت می‌شناسد (ماده ۱۴)، حق دسترسی به کار با توجه به صلاحیت و شایستگی به درستی و منصفانه و شرایط رضایت بخش از کار (ماده ۷) نیز در این کنوانسیون ذکر شده است.

^{۸۱} کمیته راهبری آموزش عالی و تحقیقات (CDESR) متشکل از کمیته‌ای از وزرای شورای اروپا و نمایندگانی از جامعه دانشگاهی توصیه ۱۷۶۲ (۲۰۰۶) در خصوص آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه را به تصویب رسانید. این توصیه در خصوص حق آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه بیان می‌کند که، تاریخ ثابت کرده است که نقض آزادی‌های آکادمیک و استقلال دانشگاه همواره منجر به جمود فکری، و در نتیجه رکود اقتصادی و اجتماعی شده است. توصیه و سپس تشریح حقوق و مسئولیت‌های دانشگاه‌ها و دانشگاهیان با تأکید بر آزادی آکادمیک به موجب قانون، ترجیحاً با قانون اساسی تضمین شده است. (پاراگراف ۷).

^{۸۲} هنگامی که نهادهای ملی و ایالتی موفق به رعایت استانداردهای آزادی آکادمیک نمی‌شوند و با زمانی که دولت ملی خود این استانداردها را زیر پا می‌گذارد، ممکن است لزوم جبران و تظلم‌خواهی در سطح منطقه‌ای بیش از پیش احساس شود.

است.

اعلامیه‌های منطقه‌ای متعددی در خصوص آزادی آکادمیک وجود دارد. اعلامیه دارالسلام^{۸۳} مانند اعلامیه لیما، در پاسخ به تهدید آزادی آکادمیک و استقلال در منطقه جغرافیایی خاص در سال ۱۹۹۰ تنظیم شد.^{۸۴} اعلامیه کامپالا^{۸۵} از پیش‌تازای آفریقایی در مبارزه برای آزادی و استقلال دانشگاهی در سراسر قاره آفریقا حکایت دارد. در این اعلامیه، بر استقلال دانشگاه، تعهدات دولت به جامعه فکری و مسئولیت اجتماعی دانشگاهیان تاکید شده است.^{۸۶} اعلامیه کامپالا به صورت کوتاه، اشاره دارد که: در این زمان در جامعه فکری آفریقایی تشکیل سازمان خاص برای نظارت و انتشار موارد نقض از حقوق مندرج در اعلامیه لازم است.^{۸۷} برای تحقق گفت و گوی دانشگاهیان و تحقق نقش دانشگاه و جامعه مدنی، دولت‌های آفریقایی، شورایی برای توسعه پژوهش علوم اجتماعی در آفریقا^{۸۸} تاسیس کردند که یک واحد آزادی آکادمیک برای نظارت بر دولت‌ها از نظر رعایت آزادی آکادمیک در آفریقا دارد، از طریق جمع‌آوری سیستماتیک اطلاعات در مورد نقض آزادی آکادمیک عمل می‌کند. این شورا در سال ۱۹۹۵، گزارش سالانه خود در خصوص آزادی آکادمیک در آفریقا را ارائه کرد. این واحد آزادی آکادمیک شورای توسعه پژوهش علوم اجتماعی در آفریقا و برنامه حقوق بشر شد. این واحد سازماندهی همایش‌های آزادی آکادمیک، انجام مشاوره‌های ملی و منطقه‌ای برای اعضای هیات علمی و

⁸³ Dar es Salaam Declaration, University of Dar es Salaam Academic Staff Assembly, (1990).

⁸⁴ اعلامیه دارالسلام، حقوق و امتیازاتی را در خصوص آزادی آکادمیک، تعهدات دولت در این خصوص، استقلال و خودمختاری موسسات آموزش عالی و مسئولیت‌های اجتماعی نهادها و دانشگاهیان می‌شود را پوشش می‌دهد.

⁸⁵ Kampala Declaration on Intellectual Freedom and Social Responsibility (1990).

⁸⁶ Ibid.

⁸⁷ Kampala Declaration, Articles 25, 26. (1990).

⁸⁸ CODESRIA

محققان در مشکلات را بر عهده دارد. شورای توسعه پژوهش علوم اجتماعی، ناظر کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم است.^{۸۹} اعلامیه دارالسلام حاوی هیچ مقررات نظارتی نیست و هیچ اشاره‌ای به عواقب عدم رعایت ندارد. قدرت این اعلامیه در پتانسیل آن برای مشروعیت بخشیدن به مبارزه برای آزادی آکادمیک در تنظیم استانداردهای حقوقی در دستگاه قضایی است.^{۹۱} در این اعلامیه، نتیجه عدم رعایت مفاد اعلامیه، فشار افکار عمومی جامعه دانشگاهی خواهد بود.^{۹۲} با وجود اینکه اعلامیه لیما یک سند و یک منبع الهام بخش برای بحث‌های آزادی آکادمیک است، حاوی هیچ مکانیزم نظارتی و یا گزارش دهی نیست.

طیف وسیعی از حمایت‌های حقوق بشری در سیستم‌های منطقه‌ای موجود است که می‌تواند راه را برای مدافعان آزادی آکادمیک و دانشگاهیان به منظور شکایت در مورد نقض آزادی آکادمیک، استقلال دانشگاه و یا ارزش‌های دیگر، و همچنین نقض حقوق بشر هموار کند. این می‌تواند در مواردی مانند بازداشت خودسرانه دانشگاهیان و دانشجویان یا موارد دیگری از این قبیل مؤثر باشد. البته هر یک از سیستم‌های منطقه‌ای سازوکارهای خاص خود را دارد.

علاوه بر موارد فوق کنفرانس‌های منطقه‌ای متعددی (کارتاژنا دوآیندیز، ماکائو، داکار، دهلی‌نو، بخارست و قاهره) نیز در خصوص آزادی آکادمیک برگزار شده‌اند که در حمایت از آزادی آکادمیک

⁸⁹ Further Information on the Program is available at:
<http://www.codesria.org/spip.php?article213&lang=en->

^{۹۰} دانشگاهیان باید اعلامیه‌های مربوط به منطقه خاص خود را که به مسائل مربوط به آزادی آکادمیک پرداخته‌اند بررسی کنند. در صورتی که سازوکارهای نظارتی داشته باشند به آنها مراجعه کنند. و در صورت فقدان چنین مکانیسم‌هایی و یا در دسترس نبودن آنها، استناد به اعلامیه‌های منطقه‌ای می‌تواند چاره ساز باشد.

⁹¹ Shivji, Issa, G. «The Jurisprudence of the Dar es Salaam Declaration on Academic Freedom », *Journal of African Law*, Vol. 35, No.1-2, (1991). p. 129.

⁹² *Ibid*, p.130.

موثرند.

۳،۲،۳. سازوکارهای حمایت در سطح ملی

علاوه بر اعلامیه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، قوانین موجود در سطح ملی و محلی نیز از منابع حمایت از آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه به شمار می‌رود. در برخی موارد، آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه به صراحت در متن قانون اساسی حمایت می‌شود.^{۹۳} در شماری از کشورها آزادی آکادمیک، در قوانین عادی و در قانون آموزش عالی به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است.^{۹۴} بسیاری از کشورها با تأسیس نهادهای ملی حقوق بشر^{۹۵} که در سه نوع کمیسیون حقوق بشر، آموذمن‌ها^{۹۶} و نهادهای تخصصی وجود دارد، در حمایت از آزادی‌ها از جمله آزادی آکادمیک اقدام می‌کنند.^{۹۷}

حمایت از آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه به سطح ملی ختم

^{۹۳} به طور مثال در قانون اساسی آفریقای جنوبی، آمده است «هر کس حق دارد که از آزادی بیان در دریافت و یا انتقال اطلاعات یا آزادی ایده‌های خلاق هنری، آزادی آکادمیک و آزادی پژوهش‌های علمی برخوردار باشد». (فصل ۲، بخش ۱۶)، در قانون اساسی فیلیپین آمده است، «آزادی آکادمیک باید در تمام موسسات آموزش عالی حاکم باشد». همچنین در قانون اساسی ژاپن، آزادی آکادمیک تضمین شده است. هشت کشور عضو اتحادیه اروپا که در آن یک قانون اساسی نوشته شده وجود دارد از آزادی آکادمیک در قانون اساسی به صراحت حمایت می‌کنند و تضمین استقلال و خودگردانی موسسات آموزش عالی را نیز در قانون اساسی پذیرفته‌اند و در این کشورها، عالی‌ترین دادگاه در کشور (معمولاً دیوان عالی کشور) به تفسیر این مقررات از طرف شهروندان می‌پردازد.

^{۹۴} به عنوان مثال، قانون سال ۲۰۰۵ در رواندا که حاکم بر آموزش عالی ایالات است مقرر می‌دارد: «موسسات آموزش عالی باید از استقلال در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی، اداری و مدیریت منابع انسانی و منابع مادی خود بهره‌مند باشند. در اندونزی، قانون مصوب در سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، شامل تضمین آزادی‌های آکادمیک و استقلال علمی در دانشگاه‌هاست، در سال ۱۹۸۹ قانون آموزش عالی در ایالات نیوزیلند، بیان داشت: «آزادی آکادمیک و استقلال موسسات حفظ و افزایش یابد.» در اروپا، به استثناء یونان و مالت، همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا برخی از قوانین خاص مربوط به آموزش عالی با اشاره به آزادی آکادمیک و یا استقلال دانشگاه را در قوانین خود دارند.

95. NHRIs

96 Ombudspersons.

97. See Amnesty International, «Human Rights Institutions: Amnesty International's Recommendations for Effective Protection and Promotion of Human Rights», IOR 40/007/2001, 2001.

نمی‌شود. در برخی از کشورها با ساختار فدرال، قانون حمایت از آزادی آکادمیک ممکن است در یک سطح منطقه‌ای یا محلی، و نه در سطح فدرال به تصویب برسد. در ادامه به بررسی مکانیسم‌ها و روش‌هایی برای نظارت و اجرای این استانداردها و قوانین در سطح ملی می‌پردازیم.

در حالی که مکانیسم اجرای اعلامیه‌های ملی آزادی آکادمیک محدود هستند، مکانیسم‌های مهم قانونی دیگری برای حمایت از آزادی آکادمیک در سطح ملی وجود دارد. این مکانیزم‌ها شامل قانون اساسی، قوانین عادی و نهادهای ملی حقوق بشر می‌باشند. در این مکانیزم‌ها آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه‌ها در قوانین داخلی از جمله قانون اساسی یک کشور تضمین شده و در درجه اول، بالاترین دادگاه در کشور (معمولاً دیوان عالی کشور) به تفسیر این مقررات می‌پردازد. برای مثال، در ژاپن، که در آن آزادی آکادمیک، بر اساس ماده ۲۳ از قانون اساسی تضمین شده است، دیوان عالی کشور برای رسیدگی تضاد بین آزادی آکادمیک دانشجویان و نگرانی‌های امنیتی دانشگاه، در یک مورد که معروف Popolo شد، به تفسیر پرداخت.^{۹۸} جایی که آزادی آکادمیک مورد حمایت صریح و روشن در قانون اساسی است، قانون آموزش و پرورش یا سایر قوانین عادی ممکن است مقررات ریزتر و دقیق‌تر در این زمینه را طرح کنند. به عنوان نمونه در قانون سال ۱۹۹۷ دانشگاهی در ایرلند، آمده است «یک دانشگاه، در انجام وظایفش باید دارای حق و مسئولیت حفظ و ترویج اصول آزادی آکادمیک باشد».^{۹۹} تنظیم جزئیات قانون به عهده مقامات حاکم به رعایت مفاد این قانون و دانشگاهها ملزم به ارائه گزارش به طور منظم به وزیر آموزش و علوم

⁹⁸. See the: Hiroshi Itoh, Lawrence Ward Beer, Constitutional Case Law of Japan: Selected Supreme Court Decisions, 1961-70, University of Washington Press, Chapter 4, pp.117-157. 1978.

⁹⁹. Government of Ireland, Universities Act, Dublin, Government of Ireland. 1997. See Part III, Chapter 1, Article 14, available at: http://www.iheqn.ie/_fileupload/Publications/UniversitiesAct1997_79918537.

هستند. در مواردی که فرد بر این باور است که قانون اجرائی نشده، می‌توانند شکایت خود را به وزارت آموزش و علوم و یا به دفتر بازرس آنها ارائه دهد. راه سوم برای حمایت از آزادی‌های آکادمیک و استقلال در سطح ملی از طریق تعامل با نهادهای ملی حقوق بشر (NHRIs) است. در مواردی که در آن فرد از نقض آزادی آکادمیک خود در دانشگاه شاکی است، باید با شکایت از طریق مکانیزم داخلی دانشگاه به دنبال جبران حقوق از دست رفته و اعاده وضع خود باشد. دانشگاهها گاهی اوقات اعلامیه‌ای از ارزش‌هایی که شامل آزادی علمی، استقلال و مسائل مربوط به مسئولیت اجتماعی است منتشر می‌کنند.^{۱۰۰}

در بسیاری از موارد، اعلامیه با ذکر ارزش‌ها یا بیان یک فرآیند برای پرداختن به نگرانی‌های آزادی آکادمیک و گزارش نقض این ارزش‌ها به دنبال جبران است. در برخی از موارد سازوکاری در محل دانشگاه برای رسیدگی به گزارش یک موضوع وجود دارد.^{۱۰۱}

علاوه بر این بهره‌گیری از سیستم شکایت و رسیدگی به گزارش‌های فردی که حاکی از نارضایتی از وضعیت موجود در داخل دانشگاه است

۱۰۰. به عنوان مثال در اعلامیه چشم انداز، ماموریت و ارزش‌های دانشگاه بوتسوانا که بر روی وب سایت دانشگاه منتشر شده چنین آمده است: که «دانشگاه برای رسیدن به چشم انداز اعلامیه و تحقق ماموریت خود با حفظ روح تفکر آزاد و منتقد و پرس و جو، از طریق تساهل و تسامح در برابر تنوع باورها به صورت باز از تبادل ایده‌ها و دانش از آزادی آکادمیک حمایت می‌کند». (See <http://www.ub.bw/about.cfm?pid=177>)

۱۰۱. برخی از نمونه‌ها عبارتند از :

- دانشگاه تگزاس در ایالات متحده اعلامیه‌ای در خصوص آزادی آکادمیک دارد که مراحل مربوط به گزارش و بررسی شکایت و رسیدگی به درخواست فردی عضو شاکی دانشگاه را بیان می‌کند.

(Texas A& M University, University Statement on Academic Freedom, Responsibility,

Tenure, and Promotion, Approved June 20, 1997, Revised July 27, 2001, p. 24, available at: <http://rules.tamu.edu/PDFs/12.01.99.M2>)

دانشگاه Cheikh AntaDiop در سنگال مرجعی برای شنیدن و حل و فصل اختلافات، از جمله کسانی که مسائلی مربوط به آزادی آکادمیک، در سطح دانشگاه دارند، ایجاد کرده است.

هرچند ممکن است ناکارآمد باشد اما می‌تواند به تقویت این سیستم‌ها در طول زمان کمک کند همچنین با استفاده از چنین سیستم‌هایی می‌توان فرصت‌هایی برای گفتگو و تبادل بین اعضای هیات علمی، دانشجویان و دولت ایجاد کرد. در صورت نبود هرگونه مکانیزم شکایت در داخل دانشگاه یا عدم رسیدگی مؤثر و رضایت‌بخشی آن، می‌توان با توجه به چارچوب سازمانی قدرت در کشور مورد نظر به مراجع و مقامات ایالتی، کمون، شهرستان یا استان (مانند پارلمان محلی، شورای محلی یا منطقه‌ای، مراجع اداری) مراجعه و شکایت کرد. در کشورهای که در آنها نهادهای منطقه‌ای دارای قدرت قابل توجهی هستند، پارلمان‌های محلی و شوراهای منطقه ممکن است راههای مفیدی برای جبران خسارت و اعاده وضعیت افرادی که آزادی آکادمیک آنها نقض شده است ایجاد کنند.^{۱۰۲}

در کنار مکانیسم‌های رسمی و قانونی یاد شده، مدافعان آزادی آکادمیک بسیاری از ابزارهای ثابت دفاع از حقوق بشر را نیز در دسترس دارند.

با این و صف به رغم آنکه قوانین موجود بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و ایالتی و استانداردها و ابزارهای آنها، سازوکارهایی برای دفاع از آزادی آکادمیک ارائه می‌دهند، به زعم برخی، محققان و دانشگاه‌ها همچنان با تهدیداتی مواجه‌اند که مقابله با آنها مستلزم یک ابزار حقوقی بین‌المللی قوی در خصوص آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه است.^{۱۰۳}

¹⁰². See for example, The Case of Sierra Leone where Local Districts have Formed Human Rights Committees: <http://kenemadistrict.org/DistrictFacts.php>. In some cases, there may be potential to bring academic freedom related violations to the attention of such committees to explore remedies at the sub-national level.

¹⁰³. See Scholars at Risk Working Paper, «Standards on International Academic Freedom, Institutional Autonomy and Responsibility: A Summary of Existing Statements», March 2007. available at: <http://www.scholarsatrisk.nyu.edu>

نتیجه

با بررسی مفاهیم و آزادی‌هایی که ظن آن می‌رود با آزادی آکادمیک هم پوشانی داشته باشند (از جمله آزادی بیان، آزادی تحقیقات علمی، آزادی انجمن و آزادی اطلاعات) می‌توان به این نتیجه رسید که آزادی‌های مذکور لازمه وجود آزادی آکادمیک هستند و گاهاً به رغم همپوشانی جزئی هیچ کدام ما را از وجود مفهومی به نام آزادی آکادمیک بی‌نیاز نمی‌کنند. زیرا آزادی آکادمیک در مفهومی ظریف و تخصصی در جامعه علمی شکل می‌گیرد که آزادی‌های یاد شده آنها را پوشش نمی‌دهد.

آزادی آکادمیک شامل سه بعد می‌باشد: ۱. حق فردی برای آزادی اعضای جامعه علمی (استادان، پژوهشگران و دانشجویان) به عنوان افراد، که آزادی عقیده، بیان، انجمن، مطالعه، تدریس، پژوهش، آزمایش، تحقیق و اطلاعات، انتشار نتایج فعالیت‌ها با در نظر گرفتن حق خطا، ارتباط، بحث و گفتگو و تضمین‌های کافی شغلی و حق انجام فعالیت‌های حرفه‌ای خارج از محیط دانشگاه برای استادان و پژوهشگران، و آزادی دانشجویان در انتخاب و شرکت در رقابت‌های برابر جهت انتخاب شدن در آزمون‌های ورودی را در بر می‌گیرد. ۲. بسیاری از جنبه‌های آزادی آکادمیک به شکل انفرادی وجود ندارند بلکه دارای یک بعد جمعی و سازمانی موسوم به «استقلال نهادی» می‌باشد. این مساله نشان می‌دهد گروهها، دانشکده‌ها و دانشگاهها مانند یک مجموعه‌ای هستند که حق حفظ و ترویج اصول آزادی آکادمیک را در تمام امور داخلی و خارجی خود دارا می‌باشند. این استقلال نهادی از جهت حقوق فردی برای دانشگاهیان به منظور آموزش، پژوهش، انتشار و شرکت در بحث‌های عمومی امر لازمی است و اگر زمانی این بعد نهادی آزادی آکادمیک با ابعاد فردی آن در تضاد باشد، تعادلی بین هر دو باید ایجاد شود که در آن توجه ویژه‌ای باید به بعد فردی معطوف گردد. ۳. تعهد مربوط به حاکمیت و مقامات دولتی برای احترام و تضمین آزادی‌های آکادمیک و انجام اقدام‌های لازم جهت اطمینان از برخورداری موثر از این آزادی و

حمایت از آن. این سه بعد آزادی آکادمیک در ارتباط هستند و یکدیگر را تقویت می‌کنند. بنابراین آزادی آکادمیک شامل حقوق فردی و سازمانی است و برای محقق شدن نیازمند تعهدات مختلفی از سوی حاکمیت است و به اعضای جامعه علمی، یعنی هیئت علمی آموزشی یا پژوهشی و دانشجویان این امکان را می‌دهد که در فعالیتهای خود، مستقل باشند و هیچ گونه فشاری از جانب عقاید و سازمانهای سیاسی، مسلکی و مذهبی بر آنها تحمیل نشود. البته باید خاطرنشان شد که آزادی آکادمیک، آزادی مطلق نیست و توسط موازین پذیرفته شده جامعه علمی محدود می‌شود.

هر چند در نظام بین‌المللی حقوق بشر سازوکارهای مختلفی در جهت حمایت از آزادی آکادمیک وجود دارد که ذکر مشروح آن در مقاله رفت اما باید اذعان داشت آزادی آکادمیک آن چنان که باید به جایگاه واقعی خود نرسیده است و وجود یک سند بین‌المللی الزام‌آور که آزادی آکادمیک را کاملا شناسایی کرده، سازوکارهای اجرا و ضمانت آن را مشخص کند، بسیار لازم است. اگرچه تلاشهای جهانی و منطقه‌ای بسیاری در این راستا انجام گرفته، ولی کافی به نظر نمی‌رسد.

در انتها روشن است، آزادی از هر نوع که باشد به خودی خود حاصل نمی‌شود و برای آنکه آزادی آکادمیک به معنای تمام و کمال آن موجود باشد باید توسط حاکمیت و مقامات دولتی محترم شمرده، حفاظت گردیده، تضمین و ترویج گردد.

فهرست منابع

الف. کتب و مقالات:

- انصاری، باقر، سازوکارهای حقوقی حمایت از تولید علم، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- فراستخواه، مقصود، «آزادی علمی»، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۲.

ب. لاتین

- Ovey, Clare. White, Robin. C.A, Jacobs & White: **The European Convention on Human Rights** (4th ed). Oxford University Press, (2006).
- Cubberley, Ellwood. P, **The History of Education** (EBook #7521, February 2005).
- Hiroshi Itoh, Lawrence Ward Beer, **Constitutional Case Law of Japan: Selected Supreme Court Decisions**, 1961-70, University of Washington Press, 1978.
- Altbach, Philip, G, «Academic Freedom in a Global Context: 21st Century Challenges », The NEA Almanac of Higher Education, (2007).
- Downs, Donald, A, «Academic Freedom.What It Is? What It Is n't, and How to Tell the Difference », Pope Center Series on Higher Education, (May 2009).
- Goran Hyden, «The Efforts to Restore Intellectual Freedom in Africa », Issue: A Journal of Opinion, African Studies Association, Vol. 20, no. 1, (Winter 1991).
- Rebecca Gose Lynch «Pawns of the State or Priests of Democracy? Analyzing Professors' Academic Freedom Rights within the State's Managerial Realm » California Law Review, Vol. 91, No.4, pp. 1061-1108, (Jul. 2003).

- Shivji, Issa, G. «The Jurisprudence of the Dar es Salaam Declaration on Academic Freedom », Journal of African Law, Vol. 35, No.1-2, (1991).
- Terence Karran, «Academic Freedom in Europe: A Preliminary Comparative Analysis », Higher Education Policy, p. 289-313,(2007).

ب. اسناد:

- AAC&U Board of Directors' Statement on Academic Freedom and Educational Responsibility, the Association of American Colleges and Universities, January 6,(2006).
- Amnesty International's Recommendations for Effective Protection and Promotion of Human Rights », Amnesty International, 30 September (2001).
- Universal Declaration of Human Rights (UDHR), United Nations General Assembly, (1948).
- The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), United Nations General Assembly, December 16, (1966).
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), United Nations General Assembly, December 16, (1966).
- Convention against Discrimination in Education, General Conference of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 14 December (1960).
- International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, United Nations General Assembly, December 21, (1965).
- Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination against Women, United Nations General Assembly, (1979).

- Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (United Nations Convention against Torture), United Nations General Assembly, 10 December (1984).
- ILO/UNESCO Recommendation concerning the Status of Teachers, 5 October (1966).
- Recommendation on the Status of Scientific Researchers, General Conference of the UNESCO, 20 November (1974).
- Recommendation concerning the Status of Higher-Education Teaching Personnel, General Conference of the UNESCO, 11 November (1997).
- African Charter on Human and Peoples' Rights, Organization of African Unity, 27 June (1981).
- European Convention on Human Rights (ECHR), Council of Europe, (1950).
- American Convention on Human Rights, 22 November (1969).
- Lima Declaration, General Assembly, 10 September (1988).
- Kampala Declaration, CODESRIA, (1990).
- World Declaration on Higher Education for the Twenty First Century, World Conference on Higher Education, 9 October (1998).
- World Declaration Higher Education, Paris, World Conference on Higher Education, 5-8 July (2009).
- Statement of Principles on Academic Freedom and Tenure, the Association of American Colleges and Universities, (1940).
- Statement on Academic Freedom, (2005).
- Dar es Salaam Declaration, University of Dar es Salaam Academic Staff Assembly, (1990).
- Convention on the Rights of the Child, UN General Assembly, 20 November (1989).

- Declaration on academic freedom and autonomy of institutions of higher education, World Conference on Higher Education paris.(1998).
- General Comment No. 13, The right to education, (Article 13), International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), (1999).
- French Education code.
- Texas A& M University, University Statement on Academic Freedom, Responsibility, Tenure, and Promotion, Approved June 20, 1997, Revised July 27, 2001.
- Nelson, Cary, Candidate Statement, (2008), at Available :
- <http://www.cary-nelson.org/nelson/aaup-statement>.

ج. سایت‌های اینترنتی:

- <http://asia.ansp.org>.
- <http://daccess-dds-ny.un.org>.
- <http://erc.unesco.org>
- <http://markazidaily.ir>
- <http://rules.tamu.edu>
- <http://www.aaup.org>
- <http://www.achpr.org>
- <http://www.african-court.org>
- <http://www.aseansec.org>
- <http://www.bayefsky.com>
- <http://www.cidh.org>
- <http://www.codesria.org>
- <http://www.corteidh.or.cr>
- <http://www.echr.coe.int>
- <http://www.iheqn.ie>
- <http://www.ilo.org>
- <http://www.lawphil.net>
- <http://www.mineduc.gov.rw>

- <http://www.scholarsatrisk.nyu.edu>
- <http://www.ohchr.org>
- <http://www.ub.bw>
- <http://www.un.org>
- <http://www.unhchr.ch>
- <http://www.advarnews.us>
- <http://kenemadistrict.org/DistrictFacts.php>.

Academic Freedom in International Human Rights Law

Reza ESLAMI
Peyman MORADI

Abstract

This article first studies the meaning as well as the elements and characteristics of the academic freedom and elaborates the human rights foundation of this fundamental freedom. The article then refers to the state obligations to both refrain from any interference and provide protection needed in academic institutions. The article also reviews international documents and certain state constitutions which deal with academic freedom. This article finally examines the scope and also the limits of academic freedom should be enjoyed by the faculty members and students in academic environment as well as the topics they deal with in their research. The article concludes that there should be a bounding document in the international human rights law to recognize this important freedom and to require states to provide more serious protection and mechanisms for academic freedom

Keywords: Academic freedom-university independence-human rights-scientific freedom